



توده‌ها برمی‌خیزند
رژیم از پای می‌افتد

ناقوس مرگ رژیم نواخته می‌شود .
ورشکستگی اقتصاد ی - سیاسی
جمهوری اسلامی از جد متنازعین که
پشود بر آن سرپوش گذاشت و آنسرا
نارید و گرفت ، در رگد شسته است .
در نمای شمیم رژیم ، هر روز و بیشتر
در پیش جشنان حکام تیره‌ها می‌شود ،
در همه عرصه‌ها ، حکومت مرگ محتوم
تاریخی خود را تجربه می‌کند . پسران
اقتصادی به تمامی زوایای اقتصاد
جامعه سرایت کرد و رشدت می‌یابند ،
رژیم ، اما ، با سیاستهای عقب ماند
خود ، نه تنها نتوانسته از شدت بحران
بکاهد ، بلکه خود آتش بحران را ، در
جهت شرق امن میزند ، بیکاری ، ترافی ،
رگود ، ورشکستگی ، هرج و مرج و از هم
گسیختگی اقتصاد ی جامعه را فرا گرفته
است . تروریسم رسمی و غیران سرکوب
اختناق ، بازداشت و اعدام ، هتک
حرمت نسبت به ابتدائی ترین حقوق
بشری و کلا اضمحلال سیاسی - فرهنگی
هر آنچه بنام تمدن وجود دارد ،
قانون اساسی جمهوری اسلامی گذشته
است .
بقیه در صفحه ۲

بررسی اشکال مبارزاتی کارگران و زحمتکشان

در صفحه ۴

①

نست دوم

پیش نویس

قانون ارتجاعی کارآئینه تمام نمای رژیم

(استخدا م)

با سیاست جلب سرمایه‌داران به
سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی موسسات
تولیدی به هر شیوه‌ای متوسل می‌شود .
ارتقاء پیش نویس قانون کار نیز در رژیم
همین شیوه‌هاست . تلاشی اسلامی
در جهت افزایش هر چه بیشتر استثمار
کارگران و
بقیه در صفحه ۳

در کار شماره ۶۰ در نوس کلی پیش
نویس قانون ارتجاعی کار را مورد گزینایی
قرار دادیم . در اینجا گفتیم که رژیم
برای مبارزه با بحران حاد اقتصاد ی -
اجتماعی ، از یکسوی سیاستهای قرون
وسطائی به سرکوب ابتدائی ترسین
حقوق بشری پرداخته و از سوی دیگر ،

سیر تحولات
مبارزات
کارگری

جلسات مخفی کارگری تشکیل شده و
در باره موقعیت فعلی ، چشم انداز
آتی و تاکتیکها به بحث و تبادل نظر
میبرد ازند . کارگران در تدارک برپایی
اعتصاب عمومی
بقیه در صفحه ۸

گزارشات واصله : کارخانه‌ها و محله
همان نشانگر اینست که منحنی جنبش
مبارزاتی کارگران و توده‌ها در حال
صعود است . توده فروریخته و وا همه
شعبت از سرکوب و خشکی رژیم در
حال از بین رفتن است . شعله‌های
خشم کارگران در هر کارخانه زبانه
سپکشد . کارگران ، بد و از چشم
جاسوسان و ارگانهای حکومت ، مشغول
جمع آوری کمک مالی برای رفیقان دستگیر
شد و اخراجی هستند . در کارخانه‌های
دیگر ، کارگران جاسوسان و مسئولین
در دستگیری و اخراج رفقاییشان را تنبیه
میکنند . در جایی دیگر ، مدبرعامل را
گروگان گرفته و برای حفاظت از او کار
سرخ تشکیل میدهند . در کارخانه‌هایی

در این شماره

جنبش مقاومت



خلق کرد در صفحه ۱۸

خطاب به مبلغین



در صفحه ۱۳



یادداشت‌های سیاسی

در صفحه ۱۸

کمیته‌های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجان کنیم



نوده ها . . .

بقیه از صفحه ۱

اما اکنون ، توده های ملیونی که تحت "طلسم اسلام" به حکومت مذهبی تن داده بودند ، بر اساس آنچه که این حکومت برایشان بهارمغان آورد ، است ، نه تنها از حکومت جداگشته اند ، که مستیزه جوانان در مقابل این قرار می گیرند .
مکتب خمینی بی حیثیت گشته ، رژیم از پایگاه توده های خود جدا شده و به سمت قدرت ، امید به تثبیت رژیم را بر سر میدهد . تثبیت ، اینست آن کرکسگاه اعلی جمهوری اسلامی که کشاکش بین جناح های مختلف حکومتی را از منشور خود میگذراند ، و به بن بست میکشاند .
با این گروه گورچه باید کرد ؟

فرمان ۸ ماه های امید بخش و تاریخ ساز خمینی ، جوابی است از سوی رژیم در رابطه با این بست حکومتی . در شرایطی که فلاکت اقتصادی و ورشکستگی وسیع اعتباری سیاسی ، شمارش معکوس برای سرنگونی رژیم را سرعت بخشیده است ، رژیم نمیتوانست ساکت ، همچنان نظاره گر باقی بماند . بهمان سید انش کشیدند تا با پیام خود بلکفروخ تازه ای در کالبد این نیمه جان رو به موت بندند . اما فصل معجزه ها در بیکسری شده است . رژیم خود ، بخشی از این گروه کور است .

فرمان ۸ ماه های بر زمین بحرین اقتصاد ی - سیاسی و در جهت تثبیت رژیم صادر شده و منطبق بر راستیای سیاستهاست که در وقت در جهت تعدیل بحرین در پیش گرفته است . قبل از این نیز بارها ، توصیه ها و سفارشات از سوی رهبر در موارد مختلف و بویژه رفع اختلافات درونی هیئات حاکمه صورت میگرفت . اما نتیجه را همچنان قدرت جناحها تعیین میکردند و نه توصیه ها و سفارشات "امام" آنها

اینبار جز این خواهد بود ؟ زمینه ای که فرمان خمینی بر مبنای آن استوار است نشان میدهد که این فرمان نه یک "قره باد" بلکه ناله ایست از سربازان و فرماندهان گوی .

فرمان برای مقابله با سه مشکل اساسی بهم پیوسته صادر شده است . اول ، مقابله با بحران اقتصادی و ورشکستگی اقتصادی ، از طریق کنترل و پاسرکوب ارگانها و نهاد های که در امر گردش سرمایه اخلال ایجاد میکنند ، و بدین طریق ایجاد فضای امن و مطمئن برای سرمایه داران . دوم ، مقابله با نارضایتی و حرکتهای اعتراضی رو به رشد توده ها که در اثر سیاستهای فزون وسطائی و سلسب

آزاد بهای فردی و اجتماعی تاب و توان را غیر ممکن ساخته و لحظه عصیان را نزد یک ساخته است . وسوم ، مقابله با اختلافات بین جناحهای حکومتی که نه تنها کاهش نیافته ، بلکه با تشدید فلاکت اقتصادی و چشم انداز "عصیان" توده ها ، بهر اندازه آنها هم افزودند .

رژیم برای تعدیل بحران ، تاکنون همه شگرد های خود را بکار بسته است . اما نتیجه همان است که بود ، یعنی تشدید بحران . حال فرمان خمینی نیز در حقیقت در جهت تثبیت و تقویت آن شگرد های است که ناگام ماند است . یک تلاش دیگر برای بازور کردن این سترون ، حکومت ، بارها ، از سرمایه داران دعوت کرد که بیایند و در فضای امن جمهوری اسلامی سرمایه گذاری کنند ، به آنها تضمین داد . برای جلب آنان لایحه حد در وسیع فعالیت تولیدی بخش خصوصی را گذرانند که استعمار را هر گونه که خود صلاح میدانند برای کسب سود بیشتر بکار بندند . همه قوانین دست و پا گیر را چون بیهوده باز نشستن استخرد ام رسمی و . . . بکناری گذارند . سرمایه گذاری را عیان تر خوانند که هم در این دنیا سود آور است و هم در آخرت خانه صاحبش را در بهشت مهیا میسازد . اما چار ساز نبود .

قانون استیجائی کار را تدوین کرد که بر طبق آن کارگران را بصورت "اجیری" در اختیار سرمایه داران قرار میدهند تا هر طور که ما بیلند با آنها رفتار کنند . قانونی که در رد نیای کنونی ، از لحاظ عقب ماندگی و ارتجاعی بودن ، در هیچ کشوری از جهان سابقه ندارد . اما این نیز چار ساز نیست . شام سرمایه فوق العاده قوی است ، نا امنی را بسو میکشد و خود را به خطر نمی اندازد . سرمایه های سرگردان همچنان در امر واسطه گری و لابی جولان میکنند زیرا این زمینه ایست که حکومت خود خلق کرده است .

رژیم برای نزدیکی با شیاطین و خروج از بن بست اقتصادی ، هیاتهای راروانه کشورهای مختلف جهان نمود ، و دست استمداد بسوی آنها دراز کرد . هیاتهای به آلمان ، ایتالیا ، پاکستان ، ترکیه و . . . روانه شدند . و طیفهایی آنها این بود که به قدرتهای امپریالیستی و کشورهای اسلامی اطمینان دهند که ایران از یک قدرت باثباتی برخوردار است و تضمین دهند که رابطه با ایران به نفع هر دو طرف است . و لایحه ای در دیدار با هیاتهای الهزامی از زاین گفت : سرزمین ماد آرای منابع انرژی است که مورد نیاز زاین میباشد و زاین نیز از امکانات وسیع

اقتصادی و تکنولوژی برخوردار است و همین سالها میتواند یکی از پایه های اساسی روابط دو کشور باشد . (اطلاعات ، ۱۱/۸/۶۷) . اما اینگونه سخنان در دل سنگ زاین اثری نمیکند . او همچنان به کار شکنی خود ادامه میدهد . قیلا غرضی وزیر نفت گفتصوب : به تمام کار شکنی های شرکت میتسویی . . . اخلاق اسلامی اینطور ایجاب مینماید که وقتی دست شراکت دادیم ، در نهال شریک دیگری نرویم . (اطلاعات ، ۲۸/۱۰/۶۷) . این نمونه ایست از خروار ، در تمام دوران مبارزات مشعخ ضد امپریالیستی رژیم ، این قدرتهای امپریالیستی بودند که خرید نفت را تحریم کردند ، که محاصره اقتصاد ی برقرار کردند و . . . در نهایت رژیم مجبور میشد با واسطه های بین المللی رجوع کرده و با حداقل ۳۰٪ اضافه قیمت با آنها طرف معامله شود .

پایا کشور های اسلامی "قرارداد بپندد که همسان کالا های امپریالیستی را با قیمت بالاتر از آنها در ریافت دارد و با مستقیما با خود قدرتهای امپریالیستی وارد معامله شود ، اما با تعدد آتی بسیار سنگین . غرضی در رابطه با شرکت پتروشیمی ایران در زاین گفت : ما از سر به آنها احترام گذاشتیم ، خمسته شد و ایسم . با اینحال ما به قرارداد پای بندیم و به پیشنهادات زاین برای تمام آن داد و ماهیم ، ولی جوابی در ریافت نکرده ایم (همان) . بدینترتیب قدرتهای امپریالیستی نیز با وجود تمام "التماس دعائی" که رژیم در آن به ملت فضای نا امن سرمایه و عدم ثبات رژیم ، بار از محدود های پیش تر نمیکند . اکنون رژیم قرارداد های متعدد ی با قدرتهای امپریالیستی منعقد کرده است . اما همه این قرارداد ها اولاً با شرایط سنگینی نسبت به طرف ایرانی قرارداد ، از جانب قدرتهای امپریالیستی مورد توافق قرار گرفته و شایعاً ، قرارداد ها بصورتی است که منافع فوری امپریالیستهارا تامین میکند .

به این معنا که به ملت عدم ثبات رژیم ، آنها حاضر به انعقاد قرارداد ها شایع هستند که برگشت سرمایه سریع باشد . و از این بابت هیچ نگرانی بخود راه نمیدهند که مبارز رژیم به سمت دیگری حرکت کند . به عنوان مثال ، معاون وزارت امور خارجه آمریکا (مشاور در امور ایران) در پاسخ این سؤال که احتمال نزد بلو رژیم جمهوری اسلامی شوروی و سوسیالیستها به چه میزان است ، گفت : نگران نباشد ! ما از نزدیک مراقب اوضاع هستیم ! رژیم جمهوری اسلامی اتفاقاً خیلی هم ضد کمونیست است .

بقیه از صفحه ۱۱

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

قانون

بقیها از صفحه ۱

نتیجه تاجلب سرمایه داران برای بهره برداری از سود های بسیار بی شک هر رژیم سرمایه داری راه و روشی برای استثمار کارگران دارد و جمهوری اسلامی نیز سبک و سیاق خاص خود را دارد، که تعجب ماندگس، خشن بودن، بی حقوقی صرف و بهره ویر زبستن استثمار شوندگان از صفات بیزاری آن است. پیش نویس قانون کار آئینه تمام نمائی است که این صفات را منعکس کرده و بهره ویر از چهره کرده رژیم بر می کشد.

این پیش نویس را هر چند که آرایش کنند در کم و کچه آن تا شعری نخواهد داشت و مضمون ارتجاعی آن خود را از برای هر آرایشی بنمایش میگذارد. آرایش همچو زگان خود را استانی است. در این چنین است متن پیش نویس قانون کار که در کجمان ۳۰ آذر ماه هم بجا رسیده. زعمای قوم برای اینکه مساله را لووت کنند و به خیال خود از حدت مقابله های اعتراضی کارگران بکاهند، با تدبیر لغات - توجه شود فقط لغات - در مان پیش نویس را در مسرعی تماشا گذاشتند، لغت کاربند بر رایجی "اجیر" نشانند و "قرارداد کار" را به جای "اجاره". مضمون، اما، همانی است که بود، و نمیتوانست غیر از این باشد. چرا که پیش نویس قانون کار اسلامی بر اساس احکام الهی تنظیم شده وین شد و باز بقول توکل که فقط نظر برای کارگران (یعنی احیران جمهوری اسلامی) بلکه برای من و وزیر و پاهر بشر در بگرد خیل نبود و نیست. استدلال محکم است و شرعی و جای هیچگونه شکباتی در مورد مضمون پیش نویس باقی نمیگذارد!

بنابر این مان نیز بر اساس همان مضمون الهی مستتر در پیش نویس قانون کار که در "کار" شماره ۶۰ اردیبهشت نگر آن را مورد بررسی قرار دادیم، به ادامه بحث در باره سیاستهای کارگری رژیم (پایبهارت صحیح تر سیاستهای ضد کارگری رژیم) بپردازیم، و هر جا که این نظر را وی لازم بود اصلاحات متن پیش نویس منتشر شد را نیز قید میکنیم که آرایش آن را هم حفظ کرده باشیم. در این مقاله، نحوه استفاده و چگونگی آن از نقطه نظر پیش نویس قانون کار که مبتنی بر اسلام فقهی است، مورد

بررسی قرار میگردد، و مسائل دیگری پیش نویس در مقاله های بعدی آریایی خواهد شد.

جمهوری اسلامی مفاهیم خاص خود را دارد و از استعمال مفاهیم معمول اجتماعی بیزار و فراری است. مثلا در تمام مواد پیش نویس، با تا کندی خاص، از بکار گیری کلمه "کارگر" احتراز شده است. البته این احترازی دلیل هم نیست، چه این کلمه یک بار اجتنامی دارد، حقوقی را متبادر به ذهن میکند و ساززات و رسالتی را در عرصه اجتماعی بیان میکند. آری، فقط همین یک کلمه، اما جمهوری اسلامی از این با اجتماعی نگران است. رژیم از کارگران میترسد و و این ترس را در عدم استعمال این کلمه نشان میدهد. از اینرو مفاهیم خاص خود را بجای آن می نشانند و استفاده از کارگران را چنین شرح میدهد: در اجاره اشیا و حیوان اجاره دهنده را میجو و اجاره کننده را مستاجر گویند و در اجاره اشخاص، کسی که منافع خود را اجاره میدهد اجیر و کسیکه اجاره

میکند مستاجر میباشد (پیش نویس صفحه ۳). در پیش نویس آریایی شده، و عین همین مضمون بکار برفته شده است، منتهی با تغییر کلمات، مثلا "کاربند" بجای "اجیر"، "قرارداد کار" بجای "اجاره"، و "صاحب کار" بجای "مستاجر"، توکلی در باره مواد این پیش نویس مینویسد: شکاتی که ارائه شده متسی بر نظرات امام و فتاوی فقهای مشهور است (کجمان ۱۰/۱۶۱). این گفته توکلی کاملاً درست است، چه در کلمه سالها ها سالها جار بهمان نحو اول مطرح شد و پیشتر نویسنده نیز نمیتوانست مضمونی جدا از آن نداشته باشد. مثلا در "تبصره المتعلمین، علامه حلی" میخوانیم که "هرگاه اجاره اشیا با شد اعدم از حیوان و غیر آن نشود، اجاره تطبیك منافع آن عین است به مستاجر، اما اگر متعلق اجاره انسانی باشد مثل اینکه شخص خود را اجاره میدهد برای انجام عملی، در این موارد نتیجه اجاره تطبیك عمل است".

آنچه که در اینجا مطرح است، همانا منفعت بی قید و شرط و مطلق "مستاجر" (صاحب کار) است. همه موازین برای سلطه بی قید و شرط کارفرما بر کارگرو وضع شده است. و برای ایمن منظور هیچ ساله ای نباید سد راه

استثمار خشن "مستاجر" از "اجیر" شود. اگر اختلافی بروز کرد، خزینه جانب کارفرما است، چرا که کارگر از اعداد انسانی نیست و آنچه که مالک است منفعت "مستاجر" است. اگر اختلاف کنند که عامل کاری انجام داد و باید داد، قول مالک مقدم است.

از آنجا که مالک منفعت است، پس حتی "اجیر" در عقد اجاره هم آزاد نیست و به قهر میتواند شخصی را اجیر کرد، در صورتیکه منفعتی از آن حاصل آید. هر شخص میتواند خود را اجیر غیر قرار دهد. بنا بر این اگر کسی قهراً دیگری را استخدام کرد و او یا به نحوی از انحاء موجهات تقویت منافع او را فراهم سازد ضامن است (پیش نویس صفحه ۲۰). و اما در اینجا منافع "اجیر" چیست؟ همان اجرت. پس میتوان هر کس را قهراً "اجیر" کرد و اجرت او را هم برداخت. شهبان در مورد گله تصمیم میگیرد.

اما برای اینکه "اجیر" بهره دهنس خوبی داشته باشد، کافی نیست که فقط آزادی او سلب شود، باید در همچنین او را اعداد حیوان و اشیا شبیه بشمار آورد، که "مستاجر" یعنی "شیء انسانی" بتواند کاملاً او را همچون برد و تصاحب کند. بر تعریف بکار برفته شده همردیف قرار دادن "اشیا" و "حیوان" و "اجیر" کاملاً نیت را ادا میکند، اما برای محکم کاری و برای اینکه این طبقه فقیر انسان یعنی "اجیران" بدون هیچ شبهه و سوالی جایگاه خود را در جمهوری اسلامی تشخیص داد و او ادعای ناحق نکنند، در صفحه ۲۲ پیش نویس به نقل از تحریر الوسیله خمینی آمده است که اگر بار بار پیش بلغزد و محموله ها بشکند ضامن است و کس چنانچه چهار پایا (ماشین باربری) که برای نقل محموله کرایه شده و بگردد و خسارتی بر محموله وارد آید ضامن نیست و اینجا است که در پروصعیت باربر غیر چهار پا در جمهوری اسلامی از باربر چهار پایا وخیم تر میشود.

جمهوری اسلامی برای کارگر و زندگن او هیچ ارزشی قائل نیست و حیات کارگران حیوان هم کمتر حساب می آید. اسلام فقهی "بیزاری بهره کشی از کارگران تا دم مرگ هم فتاوی خاص خود را دارد، نقطه مشترک این فتاوی عبارتست از استثمار و حشمانه بقیه ۱۵ صفحه ۱



پرسی اشکال . . .

پته از صفحه ۴

در راستای ارتقا آگاهانه مبارزات کارگران و زحمتکشان .

قسمت اول

در کار ۱۴۰۰ نوشتیم "اعتصاب گسترده کارگران مبارز کارخانه ایران ناسیونال می‌تواند بر فصل نویسی در مبارزات کارگران و آغازی شکوهمند بر انقلاب باشد که . . . و در کار ۱۴۰۱ در بررسی اشکال مقاومت و مبارزه توده ها در پائیز ۶۰ تقسیم کرد و ما ۵۵

آبان و آذر خیزشهای نویسی در مبارزات توده ها و مبارزه کارگران در بدو می‌شود غلبان خشم و نفرت توده ها در کارخانه جات ، صنایع ، مدارس و روستاها نمود های آشکار یافته است . از این منقطع (پائیز ۶۰) به بعد روند مبارزاتی وارد سیر صعودی می‌شود و مبارزات عمدتاً اقتصادی در مبارزات اقتصادی - سیاسی فرا می‌روید (پهنی با با خواسته های سیاسی شروع می‌شوند یا بد حالت با صد آران و مزد و آن در بگر رژیم می انجامند) مانند فرخ غزویین که اعتصاب با خواست سیاسی بازگشت ۱۳۰ اخراجی سیاسی آغاز می‌شود و با اخراج ۵ نفر دیگری انجام می‌دهد استار لایت که با خواست جلوگیری از اخراج یک کارگر به اخراج ۸ نفر می‌شود ۲۷ نفر دیگر منتهی می‌شود و شرفا و کار که در آبان ماه با خواسته های اخراج مدبر و عدم افزایش ساعات کار و حق فنس اقتصادی را آغاز می‌کنند که به کشف شدن مزد و روان نظامیان رژیم بد اخل کارخانه منتج می‌شود و رژیم را مجبور به رود رروشی مستقیم با کارگران می‌کنند . در بد ماه همانسال زحمتکشان یافت آباد تهران نیز برای جلوگیری از تخریب خانه های خود به ما شنهای شهر آری و سیاه بد که می‌کنند این روند تا او اخراجی و اواسط دی هم چنان گسترش می‌یابد و با اعتصاب گسترده کارگران ایران ناسیونال به اوج خود می‌رسد در آن ماه از حرکت مبارزاتی گسزارش شده ۸ مورد اعتصاب بوده است (اما از دی ماه به بعد سیر صعودی آن تفرقه بر ساقط شده و بد و ن اینکه آفت کند در یک سپهر مستقیم تا آغاز سال ۶۱ ادامه می یابد

تاریخ	نام کارخانه	خواسته ها	تعداد	نتیجه	تاریخ
۲۲ خرداد	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۲ خرداد
۲۳ خرداد	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۳ خرداد
۲۴ خرداد	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۴ خرداد
۲۵ خرداد	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۵ خرداد
۲۶ خرداد	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۶ خرداد
۲۷ خرداد	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۷ خرداد
۲۸ خرداد	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۸ خرداد
۲۹ خرداد	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۹ خرداد
۳۰ خرداد	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۳۰ خرداد
۳۱ خرداد	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۳۱ خرداد

تاریخ	نام کارخانه	خواسته ها	تعداد	نتیجه	تاریخ
۱ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۱ اردیبهشت
۲ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲ اردیبهشت
۳ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۳ اردیبهشت
۴ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۴ اردیبهشت
۵ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۵ اردیبهشت
۶ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۶ اردیبهشت
۷ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۷ اردیبهشت
۸ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۸ اردیبهشت
۹ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۹ اردیبهشت
۱۰ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۱۰ اردیبهشت
۱۱ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۱۱ اردیبهشت
۱۲ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۱۲ اردیبهشت
۱۳ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۱۳ اردیبهشت
۱۴ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۱۴ اردیبهشت
۱۵ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۱۵ اردیبهشت
۱۶ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۱۶ اردیبهشت
۱۷ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۱۷ اردیبهشت
۱۸ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۱۸ اردیبهشت
۱۹ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۱۹ اردیبهشت
۲۰ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۰ اردیبهشت
۲۱ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۱ اردیبهشت
۲۲ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۲ اردیبهشت
۲۳ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۳ اردیبهشت
۲۴ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۴ اردیبهشت
۲۵ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۵ اردیبهشت
۲۶ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۶ اردیبهشت
۲۷ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۷ اردیبهشت
۲۸ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۸ اردیبهشت
۲۹ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۲۹ اردیبهشت
۳۰ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۳۰ اردیبهشت
۳۱ اردیبهشت	کارخانه ایران ناسیونال	افزایش حقوق و دستمزد	۱۲	موفق	۳۱ اردیبهشت

در چه گسترده تریاد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

سیر تحولیات . . .

بقیه از صفحه ۱

سیاسی سلاحهایشان

راتیز میکنند .

در چنین شرایطی بقول لنین : هر کس که صاد قانع علاقه به سرنوشت جنبش آزاد سازی در کشور ما دارد نمیتواند که در درجه اول علاقه مند به جنبش طبقه کارگرمان باشد . سالهای جنبش ، سالهای ضد انقلاب و برای تمام تکلیفها ، نشان داد که طبقه کارگر در جلوتمام نیروهای آزاد گام بر میدارد (تجربه می آموزد) . بر این اساس ، سخت شرایطی که چشم انداز اعتصاب عمومی سیاسی پیش روی ما گسترده است ، روشن است که هدف از بررسی مسائل اعتصاب بطور کلی ، و بررسی سیر تحولیات مبارزات کارگران ، بطور اخص در این مقاله ، صرفاً نمیتواند یک آشنائی ساده و بی اهمیت و قایم گذشته باشد . هدف از این بررسی ها ، آموزش از - تعارض بر مبارزات کارگران و به سه کارگیری آنها در عمل مبارزاتی است .

بررسی سیر تحولیات مبارزات کارگری و اشکالی که کارگران در مراحل مختلف توسعه سرمایه داری بکار گرفته اند ، به پخش و کارگری کمک میکند که در باید با کدامین "منشورخواستها" و با کدامین شکل از مبارزه ، در هر شرایط مشخص کارگران مبر خود را برانقلاب میکنند و جهت کسب رهبری بیاماناز خود هم انقلاب به پیش میروند . برعکس ، با بکار بردن کدامیک از اشکال مبارزه و منشورخواستها ، تحت رهبری بورژوازی قرار گرفته و به گوشت دم توپ طبقه حاکم بدل خواهند شد ؟ بعنوان مثال در یک مرحله از اوج گیری مبارزات توده ها در سال ۷۰ ، کارگران صنعت نفت نشان دادند که چگونه طبقه کارگر قادر است ، مبر خود را برانقلاب بگوید . سازشکاران و خشکین از او جگبیری مبارزات کارگری مستقل از خواستند "رهبران" ، با آنها بلند اگر نشنستند . بازندگان نمایند (و برای استقرار زعامت امام در کارخانه ها) ، این ماموریت را بعهده گرفت . ولی کارگران با هو کردن او ، جواب سازشکاران را دادند و دست رد بر سینه آنها زدند . نفتگران قهرمان سازشکاران را از بلندی های "رهبران" انقلاب به در لنگهای انقلاب بدل کردند و ماهیت واقعی آنها را نشان دادند . برده ایهام اوها من را که "رهبران" بعنوان یک حلقه دفاعی بد و خرد کشیده بودند ، در میدان وجهه واقعی آنها را اعیان کردند . این یک نمونه موفق از بکار گیری شکل مناسب مبارزاتی است . اما

این نمونه و نمونه های مشابه نمیتوانست کل جنبش را در بر بگیرد . رهبری خرد بورژوازی - بورژوازی جنبش "سیر قدرت سیاسی مسلط شد و سرکوب کارگران برداخت و انقلاب در نیمه راه متوقف ماند .

اکنون برای قطعیت بخشیدن بر امر انقلاب ، باید اشکال مبارزاتی طبقه کارگر امروز بررسی قرار داد ، آنها را تحلیل کرد و از آنها برای نیروی آتی درس آموزی کرد . بدین لحاظ ، نه تنها شناخت جوانب مختلف اعتصاب بعنوان طیفی ترین شکل مبارزه طبقه کارگر ، بلکه شناخت چگونگی تشکیل تاریخ آن ، نیز میتواند به نیرو راباری رساند تا ، به بهترین نحوی ، اشکال موجود مبارزه کارگران را در جهت برپائی اعتصابات هدایت کند .

در کار ۱۶۰ گفتیم که تضاد بین خصلت اجتماعی کار و مالکیت خصوصی برای تولید ، آن زمینه یعنی است که شکل طبیعی مبارزه طبقه کارگر را در نظام سرمایه داری رقم میزند . به عبارت دیگر ، با اجتماعی شدن روز - افزون کار و تمرکز سرمایه ، اعتصاب بعنوان شکل متعارف مبارزات طبقه کارگر رخ مینماید . اما اعتصاب به یکباره شناخته نشد و متد اول نگردید . اعتصاب ، بعنوان یک شیوه متد اول مبارزاتی ، تنها در مراحل از رشد سرمایه داری و شکل گیری طبقه کارگر و همراه با درجه ای از آگاهی ، امکان پذیر شد . در ابتدا ، طبقه کارگر هنوز در میدان مبارزه طبقاتی آید نرسیده بود ، آگاهی لازم را کسب نکرده بود و اشکال مبارزاتی اش بر جایگاهش در سازمان اجتماعی کار منطبق نبود . تنها طی یک پروسه مبارزاتی ، پروتکلها به برائی اعتصابات واقف گشت ، و از آن پس ، این شکل از مبارزه را در نبرد بر علیه سرمایه داری وسیعاً بکار گرفت .

با اجتماعی شدن کار و تمرکز سرمایه ، فقر اجتماعی روبه فزونی نهاد و هرروزه افراد بیشتری به صف کارگران ، بصف بی چیزان راند شدند و از سوی دیگر به تعداد کسانی که هیچگونه مالکیتی بر وسائل تولید نداشتند ، اضافه گشت . با سلب مالکیت از تولید کنندگان کوچک ، آنها نیز روانه کارخانه های بزرگ شدند تا برای گذران زندگی به کارگری بپردازند . و سابل تولید به مالکیت تعداد قلبی از جمعیت در می آمد . اکثریت جامعه نه تنها آنها را برای خسود نصیب میداد ، بلکه برای گذران زندگی روزمره خود صیانت در جامعه ، هر روز از این کارخانه به آن کارخانه سر

زند ، تا اینکه با فروش تنها چیزی که متعلق به آنها بود و برایشان باقی ماندند ، ماندند ، یعنی نیروی کار ، زندگیشان خود را بگذرانند . زمانیکه کار نبود صیانت صحیح تا شب کار کنند و زمانی که سرمایه دار به کار آنها احتیاج نداشت به امان خدا رها شوند . سلب مالکیت کنندگان ، یعنی سرمایه داران قادر نبودند که از قیامت موجود بپوشانند فروشندگان نیروی کار ، یعنی کارگران استقامت کرد و برای افزایش سود خود هر چه بیشتر بر ارزش نیروی کار ، یعنی مزد ، فشار آوردند . با کمترین صنایع غیر عم این کمبود شروت جامعه فاسزود ، میگشت ، ولی وضع زندگی اکثریت - یعنی تولید کنندگان شروت - فلاکت بارتر میشد .

بدین ترتیب بود که همگان آغاز شد . کارگران برای اینکه قادر باشند از یک حد اقل زندگی انسانی برخوردار باشند ، با شدند ، چاره های نداشتند بجز تمهید و ضمیمت موجود . آنها هر گامی که در این راه برمیداشتند ، گامی بود طبقه منافع بورژوازی . در حقیقت شرایط عینی اجتماعی ، کارگران را به مبارزه فرا میخواند . در هر جا که صنعت رشد میکرد ، مبارزه کارگران نیز همراه آن شروع میشد . انگلس میگوید : "شورشهای کارگران بزودی بعد از اولین تکامل صنعتی آغاز گشت (و ضمیمت طبقه کارگر در انگلس) .

اولین شکل مبارزه و ابتدائی ترین شکل آن ، قتل و زدنی بود . کارگران که صید میدادند هر روز ساختها کار میکنند ، ولی روز بروز ، وضع زندگی آنها بدتر میشود و در حالیکه سرمایه داران ، از شمره کار آنها هر روز شروت مند تر میشوند . لذا آغاز زدنی کردند و با سوال شروت مند ان و بولد ان را امید زد میدادند احترام به مالکیت سرمایه داران بهر ابزار تولید بعنوان یک حق الهی خد شده ارگردید . این شکل ابتدائی مبارزه هر چند عناصری از آینده و از شرایط موجود را در خود متبلور میسازد لیکن ، بطور عمده ، هنوز علامت بسیاری از گذشته را خود حمل میکند . این شکل از مبارزه کاملاً با دوران نوبت ، یعنی دوران سرمایه داری تطبیق نداشت و تنها عنصری که از این دوران دوران ، عمدتاً با بیان میکرد همانست عدم احترام به مالکیت بر ابزار تولید بود ، که از موقعیت نوین این طبقه در سازمان اجتماعی کار برص خاست .

مبارزه انفرادی کارگران باقی ماند و فرهنگ گذشته در شرایط جدید بود . این حالت از مبارزه بیشتر به همگان یک در همان بقیه در صفحه ۹

من مانست و در ماندگی و یاس را نمایان میکند. اشت. این شک از مبارزه و ام زهادی نیست. نمیتوانست داشته باشد، چه جامعه بورژوازی با تمام قدرت خود علیه این کارشکنی ها در امر گردش سرمایه قد برافراشت و حریف یکده و چهارادریک مصاف تا بر شکست داد. و هر عزم اینکه کارگران، از نظر نقشی که در تولید اجتماعی را داشتند، دیگر نمیتوان یک فرد بحساب نیامد و تنها بشاید یک جمع است که میتواند در جامعه نقش تعیین کننده داشته باشد. یعنی موجودیت فردی آنها در جامعه به یک موجودیت جمعی و اجتماعی بعنوان یک طبقه وابسته گشته، ولی این حقیقت هنوز در ذهن آنها شکل نیستیده. اما در کار مبارزات و شکستهای که کارگران در مبارزات به تک خود با کارفرما متحمل شدند، آنها را بسوی مقاومت دسته جمعی سوق داد. اگر چه در این دوران هنوز هنوز عصبانیهای جمعی آنها بیشتر از در ماندگی و یاس سرچشمه میگرفت. کارگران ایمان در برین راه خلیل ناپذیر بودن انتظاماتی که آنها را تحت فشار قرار میداد از دست میدادند و رفته رفته لزوم مقاومت دسته جمعی را. نشیخواهم بنویسم درک میکردند، ولی حس میکردند و وجد از فرمانبرداری غلامانه در مقابل روسا سرپیچی مینمودند. ولی مع الوصف این مراتب بیشتر جنبه برای یاس و انتقام داشت تا مبارزه (لنین، چه باید کرد)

کارگران به لزوم مقاومت دسته جمعی واقف گشتند، اما این هنوز یک مقاومت دسته جمعی بر مبنای شرایط نوین تولید نبود. مقاومت آنها جنبه منفی دستاورد های سرمایه داری بود و رخود داشت، لیکن نه با هدفی روبه پیش، بلکه از روی یاس و استیصال. آنها اعمال مبارخود را وجود ماشین آلات پیشرفته انتمه به تخریب ماشین ها برداختند. انگیزه را بنیاب میکنید: «بشاید یک طبقه، کارگران اولین بار، مخالفت خود را علیه بورژوازی وقتی که در مقابل طرح ماشینهای صنعتی، در اوائل دوره صنعتی، مقاومت میکردند، متکبر گردند» (وضعیت طبقه کارگر در انگلیس). در قرن هفدهم، در اروپا، شورشهای کارگران علیه نخستین ماشینهای صنعتی آغاز شده بود. در سال ۱۷۵۸، کارگران انگلیس نخستین ماشینهای پشم ریش را در هم شکستند. کارگران اولین مخترعین مانند آرنایوت و دیگران را مورد ایندازدیت قرار دادند و ماشینهای اختراعی آنها را خرد کردند. در نیمه دوم ژوئن ۱۸۴۴، کارگران نساجی در بریاگوئه نابود کردن ماشینها

سیر تحولات

بقیها از صفحه ۸

برداختند که به خیزشهایی در همین زمینه در تعدادی دیگر از کارخانه های منطقه صنعتی بوهما، انجام میدهد، و تماما بوسیله سر بازان حکومتی سرکوب شد. حکومتهای بورژوازی به مقابله با این شیوه مبارزاتی کارگران برداختند و قوانینی را برای اهدام تخریب گندگان ماشین آلات به تصویب رساندند. سرانجام با این شیوه مبارزاتی، باید آری کارگران در هم شکست.

اگر چه مقاومت کارگران در برابر ماشین قابل درک بود، اما این امر تلاشی بیهود بود. بکارگیری چنین اشکالی از مبارزه بطور غالب معادف با سطح نازل رشد مناسبات سرمایه داری بود، نه نهایت ما قبل سرمایه داری. کارگران کاملاً درود هتند بود و هنوز طبقه کارگران نظرد هنی، تمام و کمال در جایگاه واقعی خود مستقر نشده بود. اما تخریب به آنها موخت و همانطور که مارکس در این باره نوشت: کارگران انگلیسی رفتند تا بختند که بیسن ماشینهم و کاربرد آن توسط سرمایه داران تمیز قابل شوند و حملات خود را، نه علیه وسایل مادی تولید، بلکه علیه روش استفاده و جامعه از آنها متوجه سازند.

شکل مبارزه میبایست تغییر یابد و تغییر نیز یافت. شکل نوین مبارزه، مبارزات انقلابی کارگران بود. در این دوره، باید نولوگهای بورژوازی که اقتصاد لیبرال یا آزاد بخواد کلاسیک را توجیه و تبلیغ میکردند، چنین اعلام میداشتند که بهترین وسیله تا رسیدن آزادی و برابری همانا تضمین حقوق مالکیت و رقابت آزاد برای تعدد است. به شمار تولید کنندگان است. از اینرو هر گونه اختلاف طبقاتی را مخل آزادی دانسته و استدلال میکردند که این اختلاف، آزادید دیگری را میند خواهد کشید. در حقیقت آنها آزادی - استثمار و آزادی فروش نیروی کار بدون هیچ رادع و مانعی پشتیبانی میکردند. بنابراین، بهد بهی است که اختلاف کارگران نمیتوانست با مقابله بورژوازی مواجه نشود. بورژوازی ترجیح میداد که با تک کارگران سروکار داشته و قرارداد های فردی کار با آنها منعقد نماید، و از این طریق قدرت مطلق سرمایه را اجاود آنی سازد. اما اختلاف کارگران به این قدرت خدشه وارد ساخته و قدرت آرد وی کار را در مقابل سرمایه تقویت میکرد.

تحت شرایطی که هرگونه اختلاف کارگران یک جرم سیاسی و مستحق مجازات بحساب می آمد، بهد بهی است که اولین جمعیت های انقلابی کارگران نمیتوانست علنی باشد. بنسای بر این، کارگران بطور مخفی انجمنهایی بوجود آوردند که اعضای آنها میبایست صوفیانه یاد کنند که سرانجام من را حفظ کرد و وفادار به آرمانهای انجمن باقی بمانند. این انجمنهای مخفی که دارای خزانهدار و دفتر اداری بودند، لیستهای منظمی از اعضا را نگا هداری میکردند. این انجمنها برای مقابله با سرمایه داران، اعتصابهای مختلفی را تدارک میدیدند و کارگرانی که به این اعتصابات نمی پیوستند، خائنین به طبقه معرفی میشدند. بهد بنترتیب، طبقه کارگر فتر فتره به یک نیروی متحد و متشکل در کارخانه ها بدل گشتند و قدرتی صاحبان کارخانه ها را در محدوده دولت کوچک خود شان بزرگ سؤال بردند.

این دوران است از کشاکش حاد بین بورژوازی و کارگران: بورژوازی برای شکستن اختلاف پروکتاریا، و این یک برای شبیهت و قانونی کردن آن، بورژوازی با کمک دستگاه مقننه اش قوانینی بر علیه جمعیتهای کارگری گذرانند، و کارگران نیز، بطریق مختلف، با تد اوم مبارزه خود برای حق تشکیل و قوانین بین بورژوازی را بزرگ سؤال کشیدند. و بالاخره، بسیاری از کشورهای اروپایی، باید آری کارگران توانست، حق اختلاف را قانونی کرد و به این طریق جمعیتهای اختلافی بسند بگاها و اتحاد به های کارگری بدل گشتند. این اتحاد بهها، که فعالیت آنها روز بروز گسترده تر شد، بعنوان یک قدرت مستقل با کارفرمایان در باره تعیین حقوق و دستمزدها، ساعات کار و غیره وارد گفتگو شد، با قدرتی سرمایه داری به مبارزه برداختند و برای ارتقا سطح زندگی توده های کارگر، به مبارزه برداختند. و بد بنترتیب، با فقیرتر شدن توده های کارگر که در صورت فقدان مبارزه طبقاتی، گرایش طبیعی نظام سرمایه داری بشمار می آید، به مقابله برخاستند.

کارگران از طریق تجربه در یافتند که بجای راه مقاومت دسته جمعی و ایجاد تشکیلات خاص خود که بتواند منافع آنان را در جامعه سرمایه داری، حفاظت کند، راه بجایی نخواهند برد. از همین روست که مارکس میگوید: صنعت در مقیاس بزرگ، گروهی از مردم را که با یکدیگر بیکر بیگانه هستند در یک مجلس مجتمع میکند، رقابت منافع این گروه را تقسیم میکند، اما ایقای مزد ها این نفع مشترک که آنها را بر کارفرما می خود دارند، آنها را در اندیشه مشترک

اگر خدای نخواسته پیش بیاید طست راهبها هم خواهد کشید، اگر اختلافات در سران قوم پیش بیاید سرایت خواهد کرد و وقت مهمیست که صد ستاره شده اند و هر گسی طبل میزند (کیهان ۱۳/۹/۶۱) . فرمان با پیام خصمی رهنمودی است در جهت گره گشایی ازین بنیت قدرت در راستای حرکت آزاد سرمایه . اما در اینجا نیز این کشاکش نه با توصیه و سفارشات قابل حل است و نه بنا فرمان .

انتخابات مجلس خبرگان آن - نقطه ای بود که تزلزل حکومت پیش از هر زمانی برای سران آشکار شد . رژیم برای اینکه خود را از تک و تنها نباند آزاد ، ادعا کرد که بیش از ۱۸ میلیون نفر در انتخابات شرکت جسته اند ، اما واکنشهای غیرارادی سران حکومت ، پیر از پیام ، نشانگر عدم شرکت وسیع بود و هفتاد انتخابات بود . از سوی دیگر ، اختلافات عربان شد و در مورد مجلس خبرگان و صالح ، انتخاب رهبر یا شورای رهبری ، چشم انداز اختلافاتی خشن تر را در آیند ترسیم کرد . است . فرمان قصد آن دارد قبل از آنکه اختلافات به مرحله انفجاری برسد ، از آن پیشگیری کند . در همین رابطه سکوت شعبدی ، سؤال برانگیز و گران کننده در پیر مراجع تقلید بویژه گنابادگانی و پیر غنسی نحقی تا آخرین لحظات ، آن - اولتیماتوم نهایی بود که به رهبر و خط امام داده شد . بدون تأیید این مراجع تقلید ، مجلس خبرگان بی اعتبار میشد و رفیقانانی در تمام جمع اعلام کردند که برای اینکه علمای دیگر را تحریک کنند گفتند که اینجا یک نفر معین را در عهدش هستند که بقیه علمای را کنار بزنند ، و بدین که علمای ما را آخرین لحظات با خدایان اعلام میدادند و خودشان هم آمدند رای دادند . علمای ما خواستند جدا بکنند تفرقه انگیزی نشد و پسران از مراجع ما مقلد فراوان دارند . فرمان جواب تشکر آمیز رهبر است نسبت به همراهی مراجع تقلید که دارای مقلد فراوان نیز میباشند . پس از صد و فرمان ، اعترافات صریح از زبان سران حکومت در صورت آنکه که بر ملت رفته بود ، آغاز شد . سابقه ای برای تأیید و سپاسگزاری از رهبر . همه اعلام میدادند و همه خواستار اجرای فوری امر رهبر گشتند . گفتند : بعد از آنکه توصیه ها شاهد نفوذ عناصرنا صالح و ناظر ظلم و زور بودن و پرتنج و درد ها و شوخ های مردم

توده ها . . .

بقیه از صفحه ۲

را کلا از صحنه مبارزاتی حذف کند . در عوض ، اما ، توده های که تحت فشار فقر اقتصاد و سیاستهای ضد بشری ، بسرعت از حکومت جیسند امی شدند ، مستقیم و غیر مستقیم به حمایت (اگر چه عمدتاً هنوز حمایت معنوی) از نیروهای مخالف رژیم بر می خاستند . فرمان قصد آن دارد که توده ها را به سمت حکومت دوباره سازد خواند و نیروهای مخالف (در حلقه اول و اساساً نیروهای انقلابی و مومنین) را منور و ساخته و به سرکوب آنها اراعه دهد . پس از صد و فرمان ، سران قوم هر آس خود را از ناامیدی مردم نسبت به حکومت و احتمال خیزش آنها پنهان نداشتند : پیام امید ی را در دل مردم زنده کرد . است . . . بسیار موقع لازم بود ، چه جای موقع و پیروز بود ، مردم از ناامیدوار شدند ، لازم بود که بهیامی اطمینان بخش و آرام بخش برای مردم داخل کشور از سوی امام صادر شود ، مسئولین کم کم زیر سؤال رفته بودند و نظر بهائی که بعد های اعمال میگردد مستوجب شد نبود که بسرعت در دستان نسبی انقلاب و احبانا افراد بی تفاوتی که میشد آنها را دست انقلاب کرد و بسرعت بسوی ضد انقلاب و جرگه آنها سوق میداد . اما در این مورد نیز رژیم راهبجاش نمیرد ، چه برسد توده ها و هر دو روش آنها با حکومت ، امری است که از ماهیت ارتجاعی و عقب ماند رژیم نشات میگردد ، و سیاستهای قرون وسطایی و اعمال سرکوب جز ذاتی حکومت مذ هبی است . بالا خیره مشکل مهم و ربه انفجار در پیری که صد و فرمان منجر شد ، تد او رو بر شد کشاکش بین جناحهای مختلف حکومتی است . هر روز که میگردد ، بر زمین بحران اقتصاد و نارضایتی ربه طغیان توده ها ، کشاکش بین جناحها حادث می شود . هر جناح برای تشبیه رژیم در جهت منافق خود ، سیاستهای خاص خود را ارائه میکند . اما بر خورد این سیاستها در عمل ، بر ایند این را بی اثر میسازد . اوج گیری این کشاکش را در هنگام انتخابات مجلس خبرگان شاهد بودیم . خصمی در همان زمان گفت : اگر جناحی نخواهند این کشور پیش برود ، اختلافات از زمین برود ، اختلافاتی که همه میدانیم که

و از این لحاظ خطری برای ما وجود ندارد . برای من و تا زمانیکه رژیم به سرکوب نیروهای انقلابی و مومنین میرد از و تا پایان رسالت خود در این زمینه ، از جانب امریال مستبدان محدود و حامی حمایت میشود ، و قرار داد هائی منعقد میگردد . اما این فرار اد ها همچنان که گفتیم بعلمت عدم ثبات رژیم و نیز اینکه ، رژیم نمیتواند شرایط کرد . سرمایه منفراتاً من نماید ، محدود و موقتی است و لذا نمیتواند کمکی در جهت تعدیل بحران اقتصادی بنماید . مشکل لا ینحل بعدی که حکومت را به خصمه انداخته است ، بر پیدن توده ها از رژیم و افزایش حرکت های اعتراضی آنان است . فرمان سر آن را در گشایش خشم توده ها را خاموش سازد . سیاستهای قرون وسطایی و سرکوبانه حکومت که توده ها را به بیربیت فراموشی و نه تنها هیچ اعتماد را بر رژیم باقی نگذاشته ، که مکتب راهم بر زمین سؤال برد است . اگر در راستای سرکوب عربان و وحشیانه توده ها موفقتاً خاموشی گزاشد و فقط اعتماد خود را نسبت به حکومت از دست دادند ، اما ، بتدریج که خوف حاصله از سرکوب در عین تداوم سرکوب ، ربه سردی و خاموشی نهاد ، حرکت های اعتراضی گسترش یافت . تعداد جمعیت در نماز جمعه ها بیشتر شد ، کاهش یافت ، راهبجاشی ۱۳ آبان با تحریم اعلام نشد مردم رو برو شد ، صاحب به محیط صوت و سکوی تندیل گشت ، که جز در مواقع توجیب کوبین خوار بار از حیات فعال در آن خبری نیست . از سوی دیگر ، مردم بتدریج مستقیم در مقابل اعمال رژیم (سپاه ، کمیته ، بسیج و . . .) قرار گرفتند . صف های محلی از تسخیر اعتراض تبدیل گشت . حرکت های مستقیم اعتراضی کارگران و توده های زحمتکش در مقابل اعمال سرکوبگر رژیم - در اینجا و آنجا - ربه افزایش نهاد . رژیم بی ابر و وحشیت باخته ، دیگر با تشکیلات مبارزات سیاسی اش - سرکوب عربان - نمیتواند توده ها را به تسکین وادارد . با سر نیز رهبر کاری میتوان کرد . . . جز نشستن بر آن رژیم با بگری و بنید های بی ضابطه ، خانه گردی ، انباشتن زند آنها از صد هزار زندانی سیاسی ، اعدام نزدیک به بیست هزار نفر ، قصد داشت ، یک بار برای همیشه ، به حیات سازمانهای انقلابی و کمونیست و هر مجمع مخالفی خاتمه دهد . و اگر چه ضرباتی بر آنها وارد شد - و در بسیاری از مواقع ضربات مهی نیز بود - لیکن نتوانست آنها

کم بپادارن بزرگترین فاجعه است. جلوگیری از خلاف شرع و اخلاق، گنجه توزی، پرده دری، ناراضی ترافی، تردد از حق، عصبانیت، اموال، هتک حرمت مسلمان، و وظیفه همگان است. بر راستی چه کسانی اینگونه اعمال را انجام میدادند؟ گوئی که رژیم جمهوری اسلامی در ۲۴ آذرماه (صد و فرمان) مرد، و پس از آن، این همان سران جنایتکار نیستند که این چنین بدگشته میازند. تجسس که فتوی امام بود، غیر شرعی و حرام اعلام میشود و... به راستی که هیچ میزانی در اندازه گیری و قاحت اینان بکار نمی آید.

بهر حال، در ابتدا باید آورندیم که فرمان برای مقابله با سه منشگی که شبیه رژیم را به خاطر افکنده است، صادر شد. اما این فرمان نمیتواند علت هار از زمین ببرد. از ه: اکنون، در عوای جناحها بر سر تفهیر فرمان و چگونگی اجرای آن شروع شده است. در حقیقت، همیشه با او فرمانهای خمینی بد نیال و وضعیت و موقعیت جناحها مطرح شده، نه اینکه خود بتواند وضعیت و موقعیت جناحها را تعیین کند. یکی از نمایندگان مجلس بطور ضمنی در این رابطه اظهار داشت که این اولین بار نیست که امام چنین جوشی و خروش پیدا میفرماید، بلکه با اگر گوش همان گوش ما و ناله همان ناله امام باشد، یقیناً آخرین یاد آوری امام نیز نخواهد بود. موسوی اردبیلی نیز در یک مصاحبه تلویزیونی از مشکلاتی که بر سر اما اجرای فرمان وجود دارد و از دیدگاههای متعدد در این باره سخن گفت. وی اظهار داشت که همیشه خیال میکنند که این پیام مربوط به در بگری است و میخواهند دیگران را اصلاح کنند. و این هنوز آغاز ماجراست.

پس از فروکش غوغای اولیه، جناحها با شه پر فرمان بر یکدیگر میازند، افرادی را هم اکنون بعنوان اختلاف، اجرای امور خلاف قانون و... دراز کرده اند و کثاکش قدرت دراز کردن افراد بیشتر و بالاتری را می طلبد. تسویه حسابها بالا میگردد و جنا - دولتی سعی بر ادغام و اضمحلال نهادهای تندرو بود است و با گیر خواهد کرد. این روند از قبل آغاز شده بود و اکنون زمینه تسریع آن فراهم تر شده است.

رژیم برای مقابله با ورشکستگی اقتصادی و ایجاد امنیت برای گردش سرمایه، باید خود را متعزز کند، پیام در این راستا قرار دارد، اما این امر بسیار گسی میسر نیست. رژیم برای شبیهت باید به کشاکش قدرت خاتمه داده، بحران اقتصاد را مهار کرده و توده های خشنگین را آرام نماید. اما رژیم خود بحران راست. آنارشی حاکم بر سیستم حکومتی و تسلط سرمایه عقب مانده بر حکومت خود مانع تعدیل بحران

اقتصادی است. رژیم نیز نمیتواند با فراموشی از اینگونه، توده هار را جذب کند، زیرا که خود موجد دفع انسان است و بعلمت ماهیت ضد مکرراتیک و ضد بشری خود مرتباً توده هار را خشنگین و بحالت انفجاری در مقابل خود قرار میدهد. جابهن بست رژیم، در مرکز رژیم نهفته است.

اعتراف به گناه و اشتباهات گذشته نیز نمیتواند نجات بخش رژیم رومیوت باشد. و این همان روشی است که عموماً رژیمهای متزلزل در زمانهای بحرانی انقلابی پیشه میکنند. هنوز مردم بیاد دارند، زمانی را که رژیم منحوس و پهلوی، برای خنثی کردن مبارزات مردم و به انحراف کشاندن جنبش توده های چگونگی محض و لا به در آمد. در آن زمان نیز فرمانها صادر شده، تشکلات رستاخیز منحل گردید، روحانی ها، مهدوی ها و نصیری ها قربانی شدند، شاه صدای انقلاب را شنید و اعتراف کرد که اشتباهاتی در گذشته شده است. اما هیچ یک بر خشم و کین توده ها کارگر نیفتاد. اکنون رژیم، در سران بر سقف قرار دارد و هنوز باید در انتظار بود که فرمانهای دیگری صادر شود، اعترافات بیشتری انجام یابد، مبره های مهمتری قربانی شوند و... اما رژیم بهبود هشت بر آهن گداخته توده هار می گوید.

توده هار بر سر خیزند و رژیم از پای می افتد. اما چگونه از پای افتاد نس؟ جنبش توده ها، بخودی خود و تنها بر مبنای نفی رژیم که دیگر نمیتوانند آن را تحمل کنند، لزوماً چهار سال نیازها و مطالبات آنها نمیباشد. اکنون در مقابل سرنگونی محتوم رژیم، نیروهای مختلف اجتماعی صف آرایی کرده اند. در یک سوی، نیروهای ضد انقلابی سلطانت طلب قرار دارند و در آن سوی دیگر مکرراتهای انقلابی و سپهس کمونیستها. خشم و کین که توده هار را در مقابل جمهوری اسلامی قرار داده بحدی است که توده هار با نفقه برای خلاص شدن از این رژیم وحشت و فلاکت میتوانند به حمایت از هر جریان ضد حکومتی روی آورند. و این نکته ای است که وطایف سکینه را در حمله اول بر عهد کمونیستها قرار میدهد. در کار شماره ۵۵ گفتیم که در رابطه با مبارزات او جگیرند توده هار و عنصر بارز چشم مخور که باید مورد توجه قرار گیرد. خود آنکسختی مبارزات و عدم حضور پیشرو و انقلابی در آن وجه بارزی است که بخوبی نتایج خود را در رهز کشانید شدن نیروی مبارزاتی توده ها، عدم انسجام کافی جهت تدوین حرکت، عدم انتقال تجارب مبارزاتی و گسیخته بودن زنجیره تاکتیکی و روشهای مبارزاتی کارگران و زحمتکشان نشان میدهد. اکنون باید در جهت ایجاد کمیته های مخفی

توده ها...

بقیه از صفحه ۱۱

اعتصاب و کمیته های مقاومت محلی برای برپائی اعتصاب عمومی سیاسی و فرا روشی آن به قیام، فعلاً نمیکوشیم. باید برنامه عمل انقلابی پرولتاریا را وسیعاً در میان توده ها تبلیغ و ترویج کنیم و مبارزات آنان را حول برنامه عمل سازمان دهیم. باید فعلاً نام از به هرز رفتن نیروی مبارزاتی توده ها و به انحراف کشاندن شدن آن توسط نیروهای ضد انقلابی بکوشیم. جو بیارهای نوین بد نیال محصل خروجی فوری هستند و اگر کانالهای سوسیال د مکرراتیک را بپندارند به رون کانالهای غیر سوسیال د مکرراتیک خواهند خروشد (کنین، وطایفی نوین و نیروهای نوین).

فادانگسای

بقیه از صفحه ۱۰

بمهر و کار فرماست که مالک زمین یا صنعت آن واحد است. کارکنان کارگر همچون برد نه نیروی کارش را میفروشد اما هرگونه اظهار نظری در امر تولید، همان تولیدی که خود در آن نقش اساسی دارد از او طلب شد هاست و هرگونه باران کنتراول توده های آشکارا نقض گردیده است و سرمایه دار که مالک الرقاب کارخانه محسوب میشود میتواند حتی شورا های فرمایشی و انجمنهای اسلامی را که از مشتق مزد و رژیم تشکیل میشوند طغی سازد.

اماد ر هر سه کشاورزی نیز این لا به مالکان و زمینداران بزرگ آشکارا حمایت میکنند و دهقانان زحمتکش آشکارا مورد ستم و استثمار قرار میگیرند گرچه تاکنون نیز عملاً چنین بود هاست اما با اعلام این لا به محسروکب کشاورزان زحمتکش شکل قانونی بخود میگیرد.

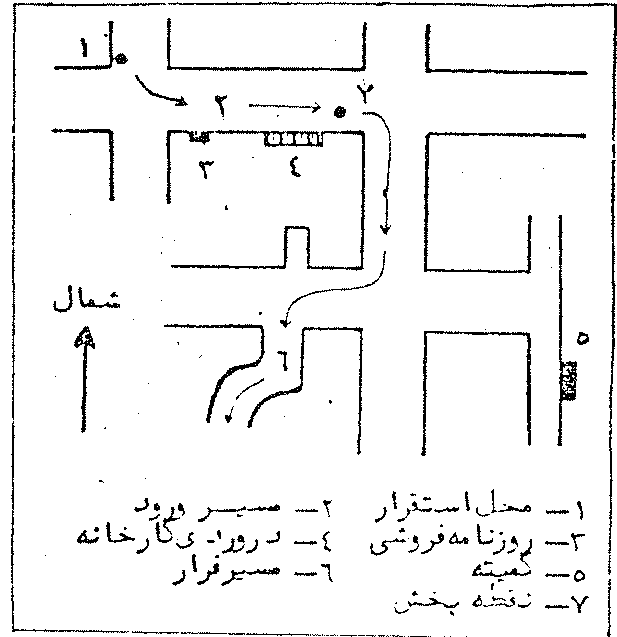
در ماده ۴۴ این لا به آمده است: عوامل تولید کشاورزی مرکب از بذر، زمین، کار و وسیله کشت... میباشیم که در این قانون نه تنها زمین از آن - دهقانانی که روی آن کار میکنند نسپاشد بلکه حتی بشیوه ای ارتجاعی تر از قانون اصلاحات ارضی شاه به مسئله زمین برخورد شده است. به این ترتیب که دهقان نیروی کارش را میفروشد و بر اساس نیروی کارش اجرت میگیرد در تکمیل این بند یعنی بند ۴۷ میخوانیم: چنانچه

بقیه در صفحه ۱۶

خطاب به مبلغین

۸

به گروهی که توسط یکی از هسته‌های موتور تهیه شده توجه کنید :



- ۱- محل استقرار
- ۲- مسیر ورود
- ۳- روزنامه فروشی
- ۴- در ورودی کارخانه
- ۵- کمپته
- ۶- مسیر فرار
- ۷- نقطه پخش

توضیحات: کارگران از ساعت ۳ شروع به بیرون آمدن میکنند، عده کمی بسمت غرب و بقیه بسمت شرق میروند عده‌ای در جلوی روزنامه فروشی جمع میشوند. در محل بزرگایران تقریباً عابران بسیاری نیستند در محل مغازه بود که در آن وجود ندارد. در ساعت تعطیل کارخانه‌ها بند آن کوچک و کم مدتی در چهارراه‌های و طرف وجود می‌آید اما با موتور میتوان عبور کرد. جلوی در یک تپه‌بان مسلح ایستاد هاست آماده اوست به نقطه ۷ کم است و بعلت از جام کارگران قادر به واکنش نیست. بهترین نقطه برای پخش محل ۷ و بهترین ساعت ۳/۰۵ میباشد.

رفقا باید وقت کنند که پیر از تصویب گروهی در هسته توسط مسئول باید آنرا مویموا اجرا کنند.

۲- بستن در و تازیدن: تازیدن باید بصورتی انجام شود که کمترین جاک را اشغال کند و در ضمن در موقع پخش خوب پخش شود و دست‌های بر روی زمین تریزد. در مورد کارخانه اعلامیه معمولاً یک تا میخورند چون میتوان آنرا خوب به هوا پرتاب کرد عموماً اعلامیه‌ها یک یک تازد میشود و گنار هم قرار می‌گیرد. بستن در و از اهمیت خاصی برخوردار است اگر بسته‌بندی دقیق نباشد امکان مشکوک شدن و دستگیری قبل از پخش وجود دارد (مثلاً رفیقی برای بردن اعلامیه به محل آنرا در ریاضت و سپس در کیسه نایلون نهاد و به موتور او یزان کرده بود. در وسط راه نایلون پاره شد و اعلامیه‌ها بزمین ریخته میشود. البته رفیق توانست بود سالم از محیط خارج شود) بستن در و بستن به شرایط مشخص دارد. اگر سیر این عمل را نگاه کنیم، ابتدا (در شرایط بعد از قیام) اعلامیه‌ها را در یک ساک

می گذاشتند و آزادانه حمل میکردند بعد از شروع دستگیریها آنها را در ریاضت و سپس کیسه نایلون نهاد و حمل میکردند در شرایط فعلی باید آنرا تحت پوششی کاملاً توجه شده حمل نمود. بهترین نوع آن پنهان کردن اعلامیه در بدن میباشد. مثلاً یکی از فقارای پخش کارخانه ۸۰۰ تراکت را در بدنش جاسازی کرده بود.

۳- آماده‌گی هسته برای پخش: برای آماده شدن برای پخش موارد زیر باید دقیقاً اجرا گردد:

- باک بنزین بازرید شود و حداقل تا نصف باشد.
- در موقع پخش امکان تعقیب وجود دارد و اگر بنزین کم باشد احتمال دستگیری زیاد است. آینه‌های موتور تنظیم گردد تا حد اکثر استفاده از آنها بعمل آید (وجود آینه جبار نیست) - ترمزها و کلاچها بازرید شود - رفقای تیم جیبهای خود را وارسی کنند که هیچ چیز در آری بهمراهند داشته باشند - کارت موتور حتماً همراه رفیق راننده باشد - قبل از پخش مسئول پخش تعیین میگردد (یکی از رفقای تیم) رفیق مسئول مسئولیت تمامی جزئیات پخش و نحوه اجرا بر عهده دارد باید توجه داشته باشند که پخش دقیقاً از روی گروهی انجام شود. در حین پخش به مجرد بدین مورد مشکوک پخش را متوقف نمایند - انتخاب مسئول پخش برای سرعت در تصمیم گیریهای اضطراری است. از آنجا که رفیق راننده عموماً بیشتر بر محیط مسلط است عموماً مسئول پخش خواهد بود.

توجه: باید برای حضور در هر نقطه از مسیر توجیه مناسبی داشت تا در صورت بازرسی سطحی بتوان براحتی به مسأله‌ای چون اسم و آدرس محل کار، از کجا می‌آیی، پاسخ داد.

در صورت آماده نبودن موارد بالا پخش نباید انجام شود.

مراحل پخش: ۱- رفتن به محل پخش: شیوه رفتن به محل پخش باید بصورتی باشد که خط دستگیری را به حد اقل برساند. سیر این عمل در شرایط مختلف بعد از قیام بصورت زیر است:

ابتدا هر دو رفیق سه‌بار بر موتور میشوند اعلامیه‌ها را در وسط خود می‌گذاشتند و به محل میرفتند پس از مدتی که افراد را در خیابان می‌گشتند اعلامیه‌ها را رفیق موتوری به محل پخش میرد و رفیق پیاده با یک به محل پخش میرفت. در حال حاضر که احتمال مشکوک شدن به موتور خیلی بیشتر از پیاده است رفیق موتوری با یک به محل پخش میرود و رفیق پیاده اعلامیه‌ها را در ریاضت مناسب به محل می‌آورد. قبل از حرکت رفقا قرار خود را که قبلاً مشخص شده برای هم تکرار میکنند و سپس به محل میروند.

۲- شناسایی نهایی و مستقر شدن در محل: رفیق راننده باید قبل از پخش محل فرار و منطقه را از نظر مسائل امنیتی چک کامل کند. اهمیت این امر اینست که اگر تغییرات ناگهانی در محل اتفاق افتاده (مقیه در صفحه ۱)



خطاب

بقیه از صفحه ۱۳

متوجه شوند (مثلا کندن یک خیابان که مسیر فرار است...) رفیق را نند به هیچوجه نباید به محل پخش زیاد نزدیک شود چون امکان دارد که اهالی منطقه یا نگهبانان کارخانه از روی مشخصات موتور متوجه حضور رفقا در محل شوند . رفیق پیاد هنوز از نزدیک محل پخش گذشته اصاع را کاملآ حدت میکند اگر در محل موردی بود که میبایست که یکی پخش تعمیر اساسی نماید پخش قطع میشود (بودن مأموران یا موارد امنیتی که جای خود را دارند)

استقرار در محل نیز رعایت مواردی ضروری است، بطور کلی این مرحله از پخش بسیار ظریف است و با کمترین اشتباهی نتنها پخش بهم میخورد بلکه خطر دستگیری ایجاد میشود. در مورد استقرار باید حتما پخش مناسب برای بودن در محل داشت. استقرار مته اند ثابت و یا متحرک باشد. مستقر شدن پخش متحرک فقط هنگام پخش در سرویس و یا در زیر پنجهای متحرک مورد استفاده است. بدینصورت که در مسیری که پخش صورت میگیرد فرد رفیق جدا از هم حرکت کرده و پیمایش مبرد نظریه هم نزدیک یک شده پس از استقرار شدن رفیق پیاد پخش را شروع میکند. در مستقر شدن پخش ثابت باید قبل از محل پخش جای مناسب را در نظر داشت و در هر کی آنرا مشخص کرد فرد رفیق در محلها پس که برای استقرارشان انتخاب شد میاتوجهیسات مناسب که بتوانند چند دقیقه باشد، می ایستند. رفیق موتور سواری میتواند موتور را خاموش کرده و از آن گدنی فاصله بگیرد و یا خود را در حال تعمیر آن نشان دهد. معمولآ رفیق پیاد هنوز بکتر از رفیق سوار به محل پخش قرار میگیرد سپس با اعلامی که رفیق پیاد میدهد (مثل مرتب کردن مو) رفیق سوار حرکت کرده و ارساوار میشوند و پخش شروع میشود.

۳- پخش پس از استقرار در محل وقتی که رفیق مسئول پخش تشخیص داد که بهترین موقع برای پخش است (حدودا این موقعه مثلا با فاصله دقیقه در کردگی مشخص است اما زمان دقیق پخش را فقط در محل میتوان تعیین کرد) حرکت کرده رفیق پیاد را سوار میکند، مسررا بر طبق کروکی طمس میکنند و پس از پخش سریع به سرعت از محل خارج میشوند زمان سوار کردن رفیق پیاد تا خروج از محل بیش از حد اکثریت دقیقه طول میکشد. در موقع پخش موتور سوار با سرعت پیش میرود و درست در زمانی که رفیق غش میخواهد اعلامیه ها را پرتاب کند سرعت خود را کم کرده سپس دوباره سرعت را زیاد میکند. در این زمان باید از اینکه در قیابست خود را از پخش جدا داشته باشد تا در صورت تعقیب توسط مانعین و یا متعرا از محل دور شود. رفیق غش باید تا چند داشته باشد که در منطقه ای اعلامیه ها را پخش کند که حد اکثر جمع وجود دارد. در ضمن طوری آنها را پرتاب کند که حتما بصورت پراکنده به روی زمین بریزد. زیرا اگر دسته دسته

ریخته شود امکان پاره شدن آنها توسط مزدوران وجود دارد.

مراحل بعد از پخش: پس از پخش باید به سرعت از کوچه ها و خیابانهای که قبل از ورودی مشخص شد هوقبل از پخش مورد بازرسی دوباره قرار گرفته از محل خارج شد. بعد از اینکه تصفیهای در خارج از منطقه پخش انجام گرفت و از عدم تعقیب مطمئن شد بد از هم جدا شد و قرار برای یک چهارم و ساعت بعد در خارج از محیط برای اطمینان از سلامت یکدیگر نهاد میشود و رفیقی نیز مسئول زدن علامت سلامت مقرر برای اطلاع مسئول میگردد.

تصفیه بعد از پخش بسیار مهم است برای این عمل باید مسیری را انتخاب نمود که دارای زوایای پیروچی باشد (پیچ در پیچ) تا در عین اینکه احیاناً در صورت تعقیب بتوانیم زود بزود از تیررس مزدوران خارج شویم بعلت پیچ در پیچ بودن مسیر سریع از تعقیب نیز خبردار گردیم.

باید تاکید کرد پس از هر پخش حتما باید علامت سلامت زد و شود و در صورت نبود علامت سلامت در میند مقرر مسئول هسته موظف است موارد امنیتی لازم را اجرا نماید. پس از هر پخش رفقای هسته یک گزارشی دقیق از رفت به محل، پخش و خروج از محل را تهیه کرده با بروکی پخش مقایسه مینمایند. سپس اشکالات و اشتقادات پخش را در انتهای گزارش جمع بندی میکنند تا در عین انتقال به سایر رفقا در پنجهای بعدی استفاده نمایند. به نفعهای از گزارش پخش در جنوبی کارخانه که توسط یکی از هسته های موتورری تهیه شده توجه کنید.

گزارش پخش کارخانه...

روزه... محل... نوع اعلامیه... زمان پخش... ساعت ۲/۰۲ باید در محل حاضر میشدیم. رفیق اعلامیه ها را در یک نایلون که داخل آن لباس ریخته بود گذاشت و پیاد و بیا اتوبوس به محل رفته. من با موتور به محل رفتم ساعت ۲/۰۲ به محل رسیدم. در وقت پخش فرار و اطراف کارخانه بازرسی کردیم مورد مشکوکی ندیدیم. وقتی به محل استقرار رسیدیم رفیق نیز به محل رسید و مسئول خواندن روزنامه در جلوی د که روزنامه فروشی بود. کارگران کم گم

شروع به بیرون آمدن کرد بودند. در این موقع به علت خروج سرویسهای کارخانه ترافیک کمی در سر چهار راه شرقی بوجود آمد بود. یک دسته کارگر آمدند... (نفر بیرون آمد و شروع به در شدن کردند در همین زمان من حرکت کرد رفیق به رفیق رسیدم او منتظر بود و سوار شد از جلوی درب کارخانه گذشتیم. نگهبان جلوی درب ایستاده بود و با کارگری صحبت میکرد. حدود بیست متر از جلوی کارخانه رفتیم و من رفیق گفتیم حالا رفیق گیس از گند شدن از جلوی در شروع به بیرون آوردن اعلامیه ها از نایلون کرد و بعد آنها را به دو دسته تقسیم کرد و همچنان بر روی کارگران پخش کرد که تعدادی از آنها نیز از خیابان ریختن من پس از اطمینان از تمام شدن اعلامیه ها با سرعت تا سر چهار راه رفتم سپس بر است پیچیدم از مسیر مقرر خارج شدیم. مساله غیر منتظره ای پیش نیامد پس از تصفیها از هم جدا شدیم.

از اعلامیه دار

کارفرمی ۲ اخیر... با این معیار، میتواند ضعف و سستی قلمداد شد موزندگی ۳ اخیر... در خدمت افزایش ثروت... مستاجر... قرار گیرد.

بر این اساس است که مستاجر در اجاره نامه یا شفاها مدت کار و نوع کار را بر مبنای منافع خود میتواند مشخص کند. هرگاه اجاره کرد اجیر را در مدتی، یعنی به جهت عطفی پس تا اجاره است از معین کردن ضمیمه و عطفی که متوجه آن عمل میشود... یعنی از حیث جلدی و وجایگی ایشان... است.

کندی و سستی در عمل (پیش نویسی، صفحه ۱) ... بدین طریق مدت کار و نوع کار در قاعده جمعی اسلامی معنای باید... مدت کار یعنی استطرافی حد و مرز، از اول آفتاب تا غروب آن و یا بیشتر از آن بر حسب منافع اجاره تا زمان هلاکت... و نوع کار یعنی جلدی و وجایگی یا کندی و سستی... یعنی جان کندن بسیاری سرعت دادن بیگانه با حد اکثر توانایی، که مرز این حد اکثر توانایی همانا هلاکت اجیر است در زیر فشار کار.

اگر معیار منافع طبقات انسان است، جهای که کارکودگان و بیوانگان نیز بهره برداری شود... سفیه... میتواند اجیر خالص گردد زیرا ضمیمه انسان از اموال او بشمار نمی رود و مخصوصاً درگاه کارگر عادی و معمولی نباشد (پیش نویسی، صفحه ۱) ... نیز نباید خدا طس نشان ساخت که اجاره صغیر یا قبول

اجاره و متوسط ولی قهری یا اولی تعیین شد به رابطه غبطه صغیر جابز و صحیح است... در اینجا به جهت بر سر این نیست که کودکان اصلاً نباید بکار گرفته شوند، نمودن بالله ایمن سخن حرامی است، بلکه به جهت بر سر این است که چه کسی باید اجاره دهد تا استثمار و حسیانه کودکان غیر شرعی نباشد.

موارد قابل بحث در شکل استثمار که در پیش نویس انعکاس یافته، بسیار است، اما همین مقدار کافی است که چگونه آنرا روشن نماید. فقط باید اضافه کنیم که با تمام این امتیازاتی که به مستاجر برای استثمار اجیران داده شده، ولی برای اینکه خداوند ناگرد، هیچ روزهای باقی نمانده باشد که اجیر از آن رجعت کند و سستی سوء استفاده نماید، مواد سفت و سختی را بمنظور فسخ قرارداد، یعنی اخراج راحت وی در هر صراحت پیش بینی کرده اند. محور این مواد فسخ نمیتوانست بنفهد ر صفحه ۱۶

قانون

بقیه از صفحه ۳

شرط نکنند چنانچه او را به چیزی کسبه اجرت او قرار داد اجاره دهد باید زمان ترنگرد و اگر چیزی دیگر اجاره دهد میتواند زیاد ترنگرد

(توضیح المسائل خمینی، پیش نویسی، صفحه ۲) ... بنا بر این صاحب کار میتواند ۳ اجیران خود را بدون بردن ملاحظه چیزی دیگر اجاره دهد و مبلغ بیشتری را از این راه ببرد آورد. در پیش نویسی، برای اینکه هیچ شبیه و گمانی در مورد اختلافات بین علمای فتاوی آنها در باره ۳ اجیر و مستاجر باقی نماند باشد، از فتاوی مستند مراجع تقلید بهره بردار است. مثلاً در همین زمینه ذکر شده، در صفحات ۲ و ۳ پیش نویسی از توضیح المسائل گنجا بگانی و مرغشی نجفی نیز نقل قول شده، که چون همانند هم میباشند از زکرتی آنها صرف نظر میکنیم، و فقط خاطر نشان میسازیم که در این اختلاف و یاد ستیندی هم که بین مراجع تقلید وجود داشته باشد، اما در این نوع موارد، همه یک زبان و خالص و مخلصند.

آنجا که ۳ اجیر همانند شبی یا حیوان، فقط در رابطه با منافع مستاجر بحساب می آید، به پیش است که نه تنها در زمان مشخص اجاره (مثلاً ۱ یا ۲ یا هر چند ساعت که در اجاره قید شده)، بلکه خارج از آن هم بگنجا دی در خدمت مستاجر قرار دارد. یعنی زندگی و درآمدی که مستاجر در آن وقت در دسترس است، و نمیتواند به گونه دیگری کند (و یا در حقیقت مرگ تدریجی طاقت فرسار باشد) که در روز بعد بهره ردهی اش کاسته شده باشد. ۳ اجیر اگر برای مدتی تمام منافع خود را بدهد بگری و آنگذار کند، نمیتواند در آن مدت برای خود یاد بگری... کاری انجام دهد مگر کارهایی که منافی با آن اجاره نباشد... همچنین اگر از اول آفتاب تا غروب آن برای انجام عملی

اجیر شده میتواند شب را برای خود بیاورد بگری کار کند مگر اینکه کارهای شب یا مشغله روزانه موجب ضعف و سستی گردد (پیش نویسی، صفحه ۲) ... اما معیار سنجش این ضعف و سستی چیست؟ جواب روشن است، حرص و ولع کارفرما برای استثمار هر چه شد بدست و وحشیانه تر، و بدین ترتیب هر

تاهلاک... هرگاه کسی را اجیری را که از برای او عطفی بکند و بعد از گرفتن هلاک شود، صانع نیست از اجاره صغیر باشد، خواه کبیر، خواه از اجاره باشد و خواه مندی (به نقل از شرایع الاسلام، محقق حلی: پیش نویسی، صفحه ۱۹) ... هلاک شدن اجیر برای جمعی اسلامی فقط تا آنجا مطرح است که ساله شود و زبان کارفرما مورد نظر باشد. به عبارت دیگر محور توضیح المسائل در باره "هلاک شدن اجیر" نفع کارفرما است. هرگاه کسی را اجیر کند که در خدمت او از هر چه از صحرای برای او بیاورد پس از آنکه نفع خروار آورد، اجیر مرد... اجاره نیست بهاضی صحیح است و در باقی باطل میشود و مستاجر مستحق است در وجه اجاره میشود

در باقی عمل مانده (جامع الثنات، پیش نویسی، صفحه ۳۸) ... در جمعی اسلامی مهم نیست که کارگر در زیر بار کار طاقت فرمائی که از طرف کارفرما به وی تحمیل شده، ببرد این اندام نیست، نه تنها هیچ حقی به وی تعلق نمیگیرد (چرا که او املا حقی ندارد) بلکه کارفرما مستحق است که وجه اجاره را در مورد باقی مانده طلب کند.

خصی در توضیح المسائل خود همین موضوع را مطرح میکند، مضافاً اینکه برود از وی را هم به نفع کارفرما شرعی میباشد. اگر اجاره کند کسی را و تلف شود پیش از قبض، باطل میشود اجاره و همچنین است حکم اگر تلف شود بعد از قبض (لا فاصله). اما اگر بگذرد بعضی از مدت و بعد از آن تلف شود یا فسخ شود اجاره و صحیح است آن مدت گذشته و باطل است در باقی و بر میگردد از اجرت بقدر زمانی که باقی مانده است (پیش نویسی، صفحه ۱۹) ... ساله چنان آشکار است که جای هیچ تفسیری باقی نمیاند.

و نفسی مقام انسان چنین هست انگاشته شود، و فقط عمل او در رابطه با نفعی که به کارفرما میرسد، مطرح باشد، لا جرم اجیر چون هر شیئی میتواند برای ارفاضا نفع پرستی کارفرما در مدت بدست شود. معیار بهره ردهی "اجیر" برای "طبقات انسان" است. اگر اجیر با انسان شرط کند که فقط برای خود انسان کار کند، نمیتواند او را به بگری اجاره داد و اگر

پیش نویس وی تشکیلی ضرب طبقه کارگر

حزب رزاستای مضمون
استخدام که تاکنون بیان کردیم باشد
و این چنین نیز هست . یعنی سلاک
متحدین قسم ، همانا ساله نمود و -
زبان کار فرما است و لا غیر .

آنچه ما که تاکنون گفته ایم خلاصه
کنیم : بر طبق اجاره نامه ای (و یا
شفاها) ، اجیر به از منطبقی قید و
شرط مستاجر در می آید ، که ساعات
کار بر حسب عقد اجاره مشخص میشود ،
مثلا (۱۲ ، ۱۴ ، ۱۶) و یا هر چند
ساعت که امکان داشته باشد ، در این
مورد هیچ ضابطه ای برای حد اکثر
ساعات کار نمیتواند مستاجر را مقید
کند . در طی ساعاتی هم که اجیر در
خدمت مستقیم مستاجر نیست ،
نحوه زندگی او باید بصورتی باشد که
در حلقه ی و جابگی ۳ تا شهری نگذرد .
بیماری در بزرگ ۳ ساعت زندگس
اجیر در خدمت مستاجر است .
و این بزرگ میباشد اجیر را همانند
برندگان بد بگری نیز اچاره نمود .
مستاجر در مورد هلاک شدن اجیر
زیر فشار کار ضابطی که ندارد ، هیچ
بلکه حتی مجاز به پی گیری آن مقدار
اجرتی است که در اثر هلاک شدن
اجیر ، باقی ماند هاست . مثلا اگر
اجیر برای ۳ ساعت اچاره شد
باشد و بعد از ۷ ساعت اجیر هلاک
شود ، مستاجر وجه مربوط به ۷
ساعت باقی ماند را پس بگیرد . شرایط
کار اجیر : قانون اجتماعی شخصی
نشد ، بلکه بستگی به هر اچاره خاص
دارد . و بالاخره اینکه این نوع اشتغال
، جنبه ای از طبیعت انسانها ،
تفویضی و غیر آن راهم در بر
بگیرد ، این چنین است پیش حکومت
مستضعفان در مورد مستضعفان ،
و توجه نبود این مقدار که مورد بحث
را گرفت ، بخشی از جزئیات را
شامل میشود و ما در نوزدهم اردیبهران
چون دست نزنیم ، بیدهای اجتماعی
و . . . نهاد احتیاجیم .

حقیقتهای اجتماعی از پیش نویسی
قانون کار (در همین محدوده ای که
آنرا این می کردیم) با قانون کار فعلی
(قانون کار شاهنشاهی) ارتجاع
نموده و سیاستهای حکومت را در
مورد مسائل کارگری واجتانی غریبان
نمیکند . چند مورد از قانون کار فعلی :
ساعات کار در ساعت در روز ۴۸
ساعت در هفته ، نصف وقت سواد
آموزی جز ساعات کار محسوب شده
باید بتوان کار اچاره منطبقی میشود ،
کار فرما را ساعتی باید ساعات کار را در
به ضعیف روزهای هفته کمتر از ۸ ساعت و
در آبر روزها اضافه نماید بشرط آنکه
از ۸ ساعت در روز ۴۸ ساعت در هفته
تجاوز نکند ، برای هر ساعت کار
اضافی باید ۳۰٪ اضافه بر مزد
پرداخت گردد ، سن قانونی کار ۱۲
سال است ، کار اضافی برای کارگر

کتر از ۱۶ سال ممنوع است ، ارجاع
کارهای سخت و زبان آورو کار شب به
کارگر کمتر از ۱۸ سال ممنوع است .
آنچه که در قانون کار فعلی هست ،
بسیار عقب مانده تر از خواسته های
است که کارگران از قبل از قیام تا به حال
آنرا مطالبه کرده و برای آن مبارزه
کرد مانده . کارگران با مبارزات خود و
ارائه مطالبات خود ، عمل نشان
دادند که قانون کار فعلی نمیتواند
متناسب با سطح رشد و خواسته های
آنان باشد ، و از این لحاظ این قانون
فعلی ارتجاعی است و نفعی آن در دستور
کار مبارزاتی کارگران قرار دارد . اما ،
نفعی کارگران یک نفعی بیشتر روند هاست ،
به این معنا که آنها میخواهند قوانینی
انقلابی و مترقی را بجای قانون فعلی
بگذارند . حال آنکه نفعی قانون فعلی
کار از سوی رژیم جمهوری اسلامی ، یک
نفعی ارتجاعی است ، به این معنا ، که
رژیم میخواهد آن دستاورد هایی از
مبارزات کارگران که به جامعه
سرمایه داری تحمیل شده بود بگریز
نهاد های جامعه محسوب میشود را
در نفعی کند و بزمانی برگردد که
کارگران از هیچ حقوق اجتماعی بر -
خورد ارنمودند .

کارگران ، طی مبارزات تاریخی -
جهانی خود بر علیه سرمایه ، دستاورد
- هایش را همچون حد اقل دست نزن ،
حد اکثر ساعات کار ، حقوق رفاهی و
اجتماعی ، حق اجتماعات ، تشکیل ،
اعتصاب و غیره را بدست آورد و هر
روز حقوق جدید تری را کسب میکنند .
این دستاورد ها ، پس از شبیهت ، دیگر
جزء نهاد های جامعه سرمایه داری
شده اند ، اما رژیم جمهوری اسلامی ،
بذوال خود ، به یک سره ، بر کلیه
مبارزات دست نزن ، در های تاریخی
کارگران خط بطلان میکشد . در این
را طه توکلی میگوید : ما پرسیدیم و
مخاطب شدیم که قوانین اجاره تفهیری
نکرد هاست . . . رابطه کار در تفهیری
بین یک نفر با هزار نفرند ارد ، نصف بر
قرار داد و روابط تفهیر نمیکند . . .
روابط کار از آن وقت که حضرت علی
برای یک پیروی کار میکرد و اجرت
میکرفت تا کارگری که الان در ایران -
ناسیونال کار میکند در ماهیت تفهیری
نکرد هاست ، فقط وسعت پیدا
کرده است (کیهان ۱/۱۰/۱۱) .
حکومت مستضعفین ، برای بیان
افکار ارتجاعی خود و برای اینکه اجیر
به اجیر بودن خود تحت سلطه
آریاب واقف شده و چون یک حکم
الهی نجات بخش به آن تزلزلند ،
هر نوع صف بندی طبقات و تضاد
در روت و فقر را منکر شده و تضاد ،
اسلام و دیگر راه پیش میکند . توکلی
میگوید : ما این دست نزنند یها و
تحلیلهای طبقاتی را قبول نداریم و
احکام الهی نجات بخش هستند ،

قانون . . .

بقیه از صفحه ۱۵

این قانون از منافع اسلامی منطبق بر
موازین اسلامی گرفته شده . . . این
حرفها که میکنند این قانون بطرفداری
از کار فرما است باید بگویم غنا صریح
و کار فرماقت اینک که یک مرحله به آن
تحقق مراحل اسلام را ندانند آنها
خیلی حرفها میزنند و بگویند که همه
غرضشان بصرند ، رشد اسلام اینست
که کافر را به غیظ آورد (همان) ،
آری ، به نام این قانون اینست که :
آی اجیر ، جان بکن ، بپرد و بویسر ،
جز این کفر است . اما کارگران با
مقاومت و مبارزات انقلابی خود بر
فرق جمهوری اسلامی خواهند شویید .

یادداشت های

بقیه از صفحه ۱۲

مالك بذر در بکار گیری سایر
عوامل تولید از شیوه اچاره استفاده
کند تمام محصول از آن وی خواهد بود و
هر یک از عوامل : زمین ، وسیله کشت و
نیروی کار تنها استحقاق خود را دارد
. . . البته سرودمد از آن رژیم برای
خالی نبودن عرضه و عواقر بی ساد ،
در رانیز کجاند هاند که میگویند :
کارگری که تنها مالك بذر است میتواند
با اچاره زمین و وسیله کشت بکار تولید
برای خود اقدام کند در اینصورت تمام
محصول از آن وی خواهد بود . . . و
این در پیرواج عنایات و کرم راییه است
باید گفت که سرودمد از آن رژیم از شدت
هذیان گشتی به با وسرانی
زد هاند آنها برداخت آچاره زمین
چیزی جز دست بردن محصول تولید شده با
پول آن به زمیند ار است . و با این توشیح
ماده ۴۸ نیز مساوتنا مالك بزرگ
زمینداران را تاهید میکند سایر مساود
و بند ها و تبصره ها نیز مشخصه یون از
عنایات رژیم جمهوری اسلامی در مورد
سرمایه داران و زمینداران است اصلا
این لواج و نظایر آن حتی اگر بی
تصویب مجلس بجز سرودمد کاری از پیش
نخواهند برد بجز آن کسرتده اقتصادی
و تضاد های آشکار ایجاد جناحهای
منطق حاکمیت از یک سو و مفاومت
همه جانبه کارگران و زحمتکشان که
مورد اشکال متشکل سازمان یافته
باید و بگر جاشی برای امانت سرمایه
باقی نماند ارد . توده ها که بیامیت
ضد خلقی رژیم بخوس بی برد هاند
هرگز اجازه اجرای چنین فرائض
مردمی را به رژیم و حامیانش نمیدهند
و با مبارزات همه جانبه خود آرزوهای
طلایی رژیم راه گور خواهند سپرد .

حود بدست آورده اند، از آنها باز پرس کنید. در اینجکجا، تشکیلات کارگری سد یهود در مقابل این دست اندازی بورژوازی پس امتیازات کسب شده کارگران. هر کجا که تشکیلات کارگری در بین کارگران از پایه های وسیعتر برخوردار بود و نیز خود را مستحکم نمود، می توانست این تهاجم بورژوازی را خنثی کرده و بسا حد اقل قسمتی از دستاوردهای راکه در شرایط مساعد اقتصاد یی چند

آورد، می بود. حفظ نماییم کارگران رفاه یافته در این کشاکش، کارگران رفاه یافته در یافتند که اگر خود را فقط در مبارزات اقتصاد یی در خواستهای محدود شده در حصار کارخانه ها، محدود نمایند، امتیازات حاصل از مبارزاتشان باید از نذر اهدا بود. طبقه کارگر به تجربه آموخت که مبارزاتش نتواند محصوراً در تروا امتیازاتی صغیر در محدود و در کارخانه ها باشد. احتمال شدن کار ضرورت عینی این امر را ایجاد کرده و در تخریبات حاصل از مبارزات جدا آگاه، کارگران را به این زمینه عینی باقی گردانید. مبارزات سیاسی طبقه کارگر آغاز شد. نهضت "جارتیسم" نهضتی از این شکل نوین مبارزاتی طبقه کارگر در انگلستان محسوب میشود. کارگران انگلیسی در این دوره، در صدر سیاستمداران حقیق رای عمومی، مخفی، پنهان برای همه افراد و توریج برابر

حوزه های انتخاباتی، مصونیت پارلمانی، کوتاه کردن دورهای قانون گذاری و غیره را عنوان نمودند. انگلیس میگوید: جارتیسم شکل یکپارچه فشرده مخالفت کارگران طبقه بورژوازی است. در مخالفت های اتحادیه ای و رودر روی ها، اپوزسیون همیشه ضربه باقی میماند: باید کارگر تنها بود که علیه سرمایه در اشرف می جنگید و یا خشبائی از کارگران بودند که طبقه سرمایه در اشرف می جنگیدند، اگر مبارزه همگانی میگشت، بندرت بواسطه قصد قبلی کارگران بود. ولی در جارتیسم، این کل طبقه کارگر است که علیه بورژوازی بر میخیزد و قبل از همه به قدرت سیاسی، به حصار دفاعی قانون گذاری که بورژوازی برای حفظ خود به در خود کشیده است حمله میبرد.

(اصمیت طبقه کارگر در انگلیس) بدین طریق، کارگران، طبقه مبارزات خود، از مبارزات ابتدائی مبارزه فردی به مبارزات مستقیم سیاسی کشانند شدند. طی این دوره تکاملی، در هر گام، دستاوردهای بسیاری را شیب کردند: عدم احترام به مالکیت خصوصی، بر وسایل تولید، لزوم مقاومت در جرمی، ایجاد انجمنهای مخفی در شرایط اختناق و ضرورت ایجاد تشکیلات گسترده کارگری، لزوم مبارزه سیاسی و... شناخت از نقش خود در سازمان اجتماعی کار. گامی که جنبش

سپهرتحوالات... بقیه از صفحه ۷ کارگری طی این مدت بجلو برداشته تا ایند رجعه عظیم است... اعتراضات سالهای بود، تظاهرات، آگاهی راهبراتب بیشتر نشان میدهند: در این دوره تقاضاهای مشخصی پیش کشیده میشود، از پیش لحظه مناسب در نظر گرفته میشود، وقایع و نمونه های معروف جاها یی دیگر مورد شور قرار میگیرد و غیره غیره، هرگاه اعتراضات صرفاً قیام مردم مستکش بود، در عوض اعتراضات متوالی نطفه های مبارزه طبقاتی بودند، ولی فقط نطفه های آن، این گامی بس عظیم بجلو است، باید از تمام دستاوردهای آن محافظت کرد و از تمام وقایع آن درس آموزی نمود. اما این پایان راه نیست، چرا که این اعتراضات بخودی خود هنوز مبارزه سوسیال د مکرانیک نبود، بلکه مبارزه فردی بودند، این علامت بود از شدن خصوصیت اشتی ناید بر کارگران و کارفرمایان بود، اما کارگران در ان موقع به تضاد اشتی ناید بری که بین متافع آنان و تمام رژیم سیاسی واجتماعی معا صر موجود است آگاهی نداشتند و نمیتوانستند داشته باشند، چهارت و دیگر آنها آگاهی سوسیال د مکرانیک نداشتند (لنین، چه باید کرد).

تنبیهی متفاوت

بقیه از صفحه ۱۸ چون از ترس سراسیمه گشته و جرات بیرون آمدن از پایگاهها به نشان راند اشتند، بطرف مقرهای آنان پیشروی کرد و با اسلحه مستقیم (از بی جی و نارنجک انداز) بانک سپه (روابط عمومی سپاه پاسداران) و مقرجا شهراراد هم کوبیدند. در این عملیات قهرمانانه که طی آن ساعت شهر یوگان در کنترل پیشمرگان فدائی بود و بیست و سه ساعت جنگ روز شهادت رفیق سمنکو انجام گرفت و ۳۰ تن از سز دران رژیم کشته و تعداد زیادی زخمی شدند. پیشمرگان پس از پایان عملیات پیروز شدند و خود بدون هیچ گونه آسیب و کفاتی بانظم انقلابی عقب نشینی کرد و به پایگاههای خود بازگشتند.

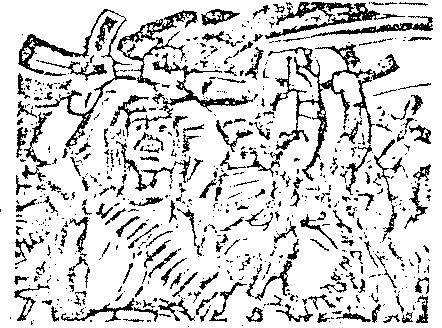
خلاصه ای از اطلاعاتی شاخه گردستان سازمان در مورد اعدام ۴ مزدور (۶۱/۹/۲) در اردن و مرکوب رژیم تصمیم دارد در اردن مرکوب

جنبش انقلابی خلقهای سراسر ایران جنبش خلق کرد را که قهرمانانسه از آزاد بی دفاع میکنند بنام سازد و در این راه تمام تلاش خود را بکار میبرد جنایات این رژیم اگر برای مردم آگاه سراسر ایران غیر مترقبه و شمنزگننده است، برای خلق مستکش کرد روشن است که این جنایات نه از روی قدرت و استحکام رژیم بلکه از ضعف و زبونی شاش ناشی میشود. خلقهای سراسر ایران میدانند که سرنگونی این رژیم اولین گام در جهت پایان دادن به فقر، سهر روزی، اختناق و فشار سیاسی و فرهنگی و ملی میباشد. پیشمرگان فدائی با این اعتقاد که قهر ضد انقلابی رژیم را باید با قهر انقلابی پاسخ داد و در هر حال و هر زمان در وحدت خود ضربات کوبنده ای بر دیگر فرقه توت سرکوبگران و سز دران خمینی جنایتکار وارد نموده اند. در این رابطه ۴ تن از مزدوران رژیم راکه در جنایات مختلف شرکت مستقیم داشته و علی رغم هشدارهای بیپایسی پیشمرگان (که از آنها میخواستند در اولین فرصت تسلیم شوند) بدجنایات خود ادامه داد و سپس از دستگیری نیز علی رغم تلاش پیشمرگان، غیر قابل

اصلاح تشخیص داد و شدت به اعدام انقلابی محکوم گردیدند. اسامی این مزدوران به قرار زیر است: ۱- محمد محمدی فرمانده گروهان ۴ سپاه پاسداران پایگاه مهر - این مزدور طبق اعترافات خود علاوه بر شرکت فعال در سرکوب خلق قهرمان کرد، در چندین جوخه اعدام انقلابیون شرکت مستقیم داشته و نیز در صدد فعالیت خود چندین نفر از انقلابیون تحا و ز نمود است ۲- امضی - بدخشان ۳- عیدی فتحی ۴- محمد رضا فیض آرا - علاوه بر نفر اول که یکی از عناصر فعال سپاه پاسداران بود و از افراد منفور شهرستان باهک میباشد، سه نفر دیگر نیز فعالان در سرکوب خلق قهرمان کرد شرکت مستقیم داشته اند. لازم به تذکر است که برای سپاه پاسداران محمد علی محمدی بقدری اهمیت داشت که چند نقشه فرار برای وی ترتیب داده بود و در صدد بود که توسط کاششهای مزدور مخفی به مرحله اجرا بگذرانند که با هوشیاری پیشمرگان قهرمان فدائی خنثی شد.

تسبیح تمپین سوزنوشنت، حق مسلم خلقهاست

جنبش مقاومت خلق کرد



شنبه ۱۶/۷ تا دوشنبه ۱۸/۷ -
سرمایه و جاسباها با مراجعه به ده
خانواد که فرزندان ایشان پیشمرگ جنبش
مقاومت بود بود را این راه تشهیب شد
شد فاند رفته ، آنها را به همراه اسباب
و وسایلی که از خانه ها ایشان غارت کرده
بودند ، بوسیله زبل های ارتشی به
بادگان شهر منتقل میکنند . بنا به
اطلاعی این عمل را بحالت تعهد بشهر
هم منتقل کرده اند . رژیم مدتی پیش
توزک راستای سیاستهای ضد انقلابی
خود یعنی تعدادی از خانواده های سفز
را به قتل شهر اصفهان تشهیب کرده
بود . آنها هم اکنون در آنجا همانند
زندانی ها هستند و نمیتوانند با کس
صحبت کنند . بهنگام بیرون آمدن از
محور مسکونت میباشستی با پاسداران
خارج شوند و گرنه حق رفتن به جایی را
ندارند . یکی از فرزندان مبارز یکی از
این خانوادها اخیرا از دست مردوران
رژیم گریخته و به جنبش مقاومت خلعتی
گردد پیوسته است . رژیم قصد دارد تا
سیاست تشهیب خانوادها را بر سر مستند
هم اجرا کرده بود رسد و بزرگان افزایش
دهد .

در تاریخ ۲۱/۷/۶۱ ساعت ۷
بعد از ظهر چند دسته از پیشمرگان
سازمان ، بهنام ست چهله روز شهادت
پیشمرگ قهرمان رفیق سمنو وارد شهر
بزرگان شد و قسمت های وسیعی از مناطق
مرکزی شهر را به کنترل خود در آوردند و
به همین مزدوران نشستند . آنها
خندچنین اطراف چند مقر مزدوران رژیم
را به محاصره در آوردند . پیشمرگان
قهرمان فدائی ، پس از چند ساعت
درگیری با جلا دادن رژیم ، سخنرانی
و شعار دادن و تبلیغ مواضع انقلابی
سازمان برای مردم مبارز شهر بزرگان ،
چون دشمنان بقعه در صفحه ۱۷

یادداشت های سیاسی ...



لایحه حدود و شیوه فعالیت بخش خصوصی تضمینی برای سرمایه داران و زمینداران بزرگ

لایحه حدود و شیوه فعالیت
تولیدی بخش خصوصی مصوبه
شورای عالی اقتصاد و هیئت دولت
پرد میدی از سیاست اقتصادی
رژیم در دفاع از سرمایه داران و
زمینداران را به تکمیل گذارد .

مدتها بود که از گوشه و کنار سر و
صدای سرمایه داران و مالکان بگوش
میرسد که انقلاب موجب از بین رفتن
امنیت مالکیت گردیده است ، بسیاری
از سردمداران رژیم نیز عدم وجود
امنیت کافی برای سرمایه گذار بهیای
صنعتی و کشاورزی را دلیل وضعیت
نابسامان رژیم حاکم قلمداد میکنند .
سرمایه داران از وضعیت که سالهاست
شیره عیان کارگران و زمینکنان این
آب و خاک را میگذراندند افسان
مشخص نمودن توان کار و خود
اختیارات کارفرما دم میزدند و در این
میان نوزوزی ناهوشا ی رژیم هرچند
گاه به بار بر ضرورت ایجاد نظم مناسب
سرمایه داران سخن میراندند .

در پیرامون تمامی این جنبه های
تسلیماتی ، رژیم جمهوری اسلامی به
مشابه مدافع سرمایه داران و زمینداران
با سرکوب و ضرب و شتم توده های
زحمتکش که برای بدست آوردن حقوق
خود در ریشورهای کارگری و دهقانی
کارمندی و غیره متشکل شده بود زمینه
غانگری بیشتر سرمایه داران را فراهم
می آورد و اصلاح مدافع نظم کهن
و پیسند های بود که انقلاب ارگان آنرا
مترکیز نمود . اما به دلیل مبارزات
کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکنان
رژیم از بیان علنی حمایت خویش از
سرمایه داران پر همزمیکرد . این
وضعیت نمیتوانست تداوم یابد زیرا
بحران اقتصادی و افزایش نارضایتی
توده های مردم رژیم را ناچار میساخت
از یکسو برای کاهش ابعاد انفجاری
نارضایتی و بحران اقتصاد سرمایه
داران راه کمکه طلبی و ازسوی دیگر
با وضع قوانین هر چه ضد خلقی تر
امنیت سرمایه داران و مالکین را تضمین
نماید و بدینسان چهره خویش را به
تمامی بعنوان مدافع سرمایه داران

فارتگر عیان سازد . تنظیم لایحه
حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش
خصوصی که به تصویب شورای عالی
اقتصاد و هیات دولت رسیده است
از جمله این گوشه ها است . بخش
خصوصی عمدتاً همان سرمایه داران
و مالکین غارتگری هستند که در جد و
بخش دولتی کارگران ، دهقانان
و سایر زحمتکنان را در سایه قوانین کار
ظالمانه رژیمهای ضد خلقی به چهار
میخ میکشند . کیست که نداند
کلانترین سرمایه داران و زمینداران
تحت همین عنوان بخش خصوصی
فعالیت میکنند و سردمداران رژیم با
شرح عبارت دهقان پرکن بخش خصوصی
تنها چهره این غارتگران را بزرگ میکنند .

در آغاز این لایحه چنین مشاهده
میشود : ماده ۳ - عوامل تولید در
صنعت بشرح زیر است : ۱ - نیروی
انسانی ۲ - ابزار تولید ۳ - مواد
اولیه ۴ - زمین و تأسیسات
ساختنی بدینترتیب از همسان
ابتداء بقیقا همان فرمولیند یکبار
گرفته میشود که ترتیب است سرمایه داران
و اقتصاددانان مدافع آنان بعنوان
عوامل تولید برای پنهان کردن خطت
استثمار و روابط ظالمانه سرمایه داری ،
عنوان نمودند . سپس اضافه میشود :
"نیروی انسانی کارگر تنها استحقاقی
در ریافت اجرت نقدی یا جنسی بر طبق
قرارداد شده دارد و در صورت
زبان یا حصول واحد تولیدی سهم
نخواهد داشت . . . بدینسان
غارتگری سرمایه داران مبارز و فانی
است و طبعاً مبارزات کارگران برای
افزایش دستمزدها مشروع و ضد فتنه
اماد فاع بی سرمایه داران به
همینجا خاتمه نمی یابد . . . تعیین
حقوقی مد بریت واحد تولیدی به پنده
کارفرما است که مالک عین یا منفعت
آن واحد است . . . بدینگونه این
لایحه را باید تضمین ده جانمایی به
غارتگران برای مقابله با مبارزات کارگران
به منظور تشکیل شوراهای کنترل کارگری
دانست . سرمایه داران در سایه
همین بند همه و هرگونه تعدی بکارگران
را تحت عنوان بنده در صفحه ۱۰